

# امام، مسئولان جمهوری اسلامی ایران را به وحدت دعوت کرد

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در سخنانی که بمناسبت "روز قدس" ایراد کردند، از جمله، چنین گفتند:

"روز قدس را با یادمسلما نه زنده نگه دارند. من گوارا راجع به طمعهای اسرائیل تشبیه داده‌ام که، اسرائیل اینطور نیست که اکتفا کند به آن زمینهای که غصب کرده است. حال دیدید که با بیختن خودش را در قدس قرار داده است و تمام این چیزهایی که از آمریکا و از طرفدارهای حقوق بشر و از این محافل و مجالسی که در خارج هست، اینها تمام یک شعرهای غیرموزون است... الان شما دیدید، که آمریکا با این جوانهای عزیز ما، با این دخترها، با این پسرها، با این دانشجویان عزیز چه رفتار روحشیا نه کرد و آنها چه شجاعتی در مقابل پلیس آمریکا از خود نشان دادند و در مقابل همه قدرتها بی که آنجا بود و همه پلیسها و همه دستگاها بی انتظامی، اینها با مشت گره کرده ایستادند، تحمل کتکها را کردند، لکن از اون مسئله‌ای که پیش آنها مسئله بود، املا نگذشتند. مسلمین بقیه در صفحه ۲"



دوره: هفتم، سال دوم، شماره ۲۰۲  
 پنجشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۵۹، شماره ۱۵ ربال

## به پیام وحدت طلبانه امام هر چه زودتر در عمل باید پاسخ داد

# جامعه در انتظار تفاهم اصولی و انقلابی

کلام بر نفودا ما م خمینی یا ردیگری وحدت فرا خواند. زیانمندی انقلاب - شکن بر خوردها، کار شکنیها و مخالفت های فردی، شخصی و گروهی، از هر ناحیه‌ای که باشد، با مباحث و با دقت در پیام دیروز امام خاطرنشان گردید.

سخن دیروز امام یک هشدار جدی است به همه اشخاص، همه افراد، همه گروهها. امام هشدار داد که هیچ کس، هیچ مقامی نباید دیگری را تضعیف کند، نه رئیس جمهور، نه مجلس را، نه مجلس شورای اسلامی، نه دولت را، نه رئیس جمهور را، نه رئیس جمهور دولت را.

علت روشن است. در این شرایط حساس و سرنوشت ساز برای جمهوری اسلامی ایران، آنچه مطرح است تضعیف یا تقویت انقلاب، تضعیف یا تقویت جمهوری اسلامی ایران است. هر گونه خودبستگی، هر گونه خودمحور بینی، هر گونه فرصت طلبی، هر گونه انحصار طلبی، مفاخرت و وظیفه مبرم و تاخیر ناپذیر نجات انقلاب و تقویت جمهوری نوپای ما است.

امام بدرستی توجه را با این نکته جلب کرده است که آمریکا، جها نخوار، این دشمن خدا رو آشتی ناپذیر انقلاب ایران و خصم خونین "زاعنه نشینان" ما، که این انقلاب را به شمر رساندند "سیلی به آمریکا زدند"، توطئه - های کودتاچی خود را علیه این شخص و آن شخص، این فرد و آن فرد سازمان می‌دهد. و بقیه در صفحه ۲

## اطلاعیه دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران در مراسم روز قدس زیر شعارهای ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی هر چه وسیعتر شرکت کنیم

روز قدس فرصت دیگری است که مردم استقلال طلب، آزادیخواه و عدالت دوست ایران با ردیگر نفرت خود را نسبت به سیاست تجاوز کارانه و غارتگرانه و ضد انسانی امپریالیسم، پسر کردگی امپریالیسم آمریکا، و صهیونیسم علیه خلقهای جهان، بویژه خلق عرب فلسطین ابراز دارند و عزم راسخ خود را برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه های جنایتکارانه و خائنانانه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و ضد انقلاب داخلی آشکار سازند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، به پیروی از سیاست اصولی و انقلابی خود، از همه رفقا، دوستان و هواداران حزب و تمام مردم استقلال طلب، آزادیخواه و عدالت دوست ایران می‌طلبد که با شرکت هر چه وسیعتر خود در مراسم روز قدس، اتحاد ضد امپریالیستی خود را نشان دهند و تحکیم کنند.

دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران  
 ۱۵ مرداد ۱۳۵۹

## سند وابستگی «قاسملو» به بعث عراق

می‌پذیرد و تمام شرایط آنها را تقبل می‌کند و فقط در مقابل خواستار آن می‌شود که فاشیست های بعثی، تنها و تنها او هم - فکران او را بعنوان عامل خود در ایران به رسمیت بشناسند و تنها و تنها وی را به توطئه و تحریک علیه جمهوری اسلامی ایران و خلق دلاور کرد مسلح کنند.

سندی که کلیشه آنرا به همراه ترجمه اش ملاحظه می‌کنید، نامه ای است که عبدالرحمن قاسملو، در تاریخ ۱۳۵۹، برای یکی از مسئولین حزب دمکرات کردستان که رابط میان قاسملو و جناحیتکاران بعث عراق است، نوشته است.

چنان که واضح است، قاسملو با خاکساری یک مزدور سرسپرده در مقابل اربابش، تمامی تقاضاهای حکام بعث عراق را بجان

بقیه در صفحه ۲

## توطئه های دولت بعثی عراق علیه انقلاب ایران تشدید میشود

به آنها نشان داده اند، به هم وصل کنند و سپس اتومبیل را رها سازند و به هر کجا می‌خواهند بروند. تا کنون ۲۰ دستگاه اتومبیل به موصل کرکوک انتقال یافته است و ظاهرا دو دستگاه از آنها به ایران بازگشت داده شده است، که رد آنها معلوم نیست.

دولت بعثی جنایتکار عراق همه امکانات خود را برای مقابله با انقلاب ایران و براندازی نظام جمهوری اسلامی در کشور ما به کار گرفته است و طرحهای توطئه و خرابکاری، تجاوز نظامی، اعزام گروههای خرابکار و جاسوس به ایران را، با توطئه جدید امپریالیسم آمریکا علیه ایران، که پس از کشف توطئه کودتای ۱۸ تیر و دستگیری عاملین آن از جانب دولت کاردت در حال تدارک است، هم - آهنگ می‌سازد.

طبق اخبار موثق در ماه اوت (اواخر مرداد ماه و اوایل شهریور ماه) دولت بعثی عراق اقدامات خرابکاری و تحریکات نظامی خود را علیه ایران شدت خواهد داد.

برابر همین اخبار، که در شماره روز سه شنبه نامه "مردم"، زیر عنوان "ما هشدار می‌دهیم"، منتشر گردید، عمل بعث عراق تعدادی اتومبیل با نمده ایرانی را از مرز ایران عبور داده اند و به کرکوک و موصل می‌برند. در این دو منطقه جنایتکاران بعثی ماشینها را دقیقاً جاسازی می‌کنند و در هر یک مقدار زیادی (از ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ پوند) تی. ان. تی. قرار می‌دهند. سپس اشخاصی را برای انتقال این ماشینها به شهرهای مختلف ایران و مکانهای از پیش تعیین شده، مامور می‌کنند. اشخاصی که این ماشینها را به ایران می‌آورند یا کرد و یا پناهندههایی هستند که دولت بعثی عراق تا به حال از بازگشت آنها به ایران جلوگیری کرده است. این اشخاص به شرط آنکه اتومبیلها را به مکانهای مشخصی که عراقیها تعیین می‌کنند برسانند، امکان بازگشت مجدد به ایران را کسب می‌نمایند. به آنها گفته می‌شود که پس از بازگشت اتومبیلها در محل مورد نظر، دو سر سیمی را که

تشدید و گسترش درگیریهای مسلحانه در تواجی مرزی ایران و زیر آتش گرفتن مستمر این نواحی از جانب نیروهای مسلح عراق و حمله به پاسگاههای مرزی، تکرار واحدهای بزرگ مکانیزه ارتش عراق در مرزهای ایران، با اقدامات جنایتکارانه عمل بعثی عراق در مورد ربودن اتومبیلهای

بقیه در صفحه ۸

## آنها که نهادهای جمهوری اسلامی را بی اعتبار می‌خواهند

یورش به دفاتر حزب توده ایران در شهرستانها ادامه یافته و دبیرخانه کمیته مرکزی حزب، و دفتر نامه "مردم"، ارگان مرکزی حزب، در تهران هنوز

در اشغال است.

پس از انتشار اعلامیه دادستانی کل کشور (۵ بقیه در صفحه ۲)

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

## معرفی هر چه زودتر نخست وزیر و تشکیل دولت قانونی جمهوری اسلامی ایران ضرورت مبرم روز است

در لحظه فوق العاده حساس کنونی، دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن از یکسو، نوسازی بنیادی همه رشته های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی جامعه طبق برنامه انقلابی مشخص و علمی از سوی دیگر، احتیاج به دستگاه اجرایی انقلابی متمرکز، تا راهها هنگ دارد. اخبار و اطلاعات موثق، که اغلب بوسیله رسانه های گروهی نیز منتشر می‌شود و مورد تائید مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران نیز هست، حاکی از گسترش روز افزون تدارکات امپریالیسم، به سر - کردگی امپریالیسم آمریکا، علیه ایران و انقلاب شکوهمند است. خدا انقلاب با یگانه های خود را در برون کشور، بویژه در منطقه خاور میانه و نزدیک و حوضه خلیج فارس گسترش میدهد. در درون کشور نیز با دسیسه، بقیه در صفحه ۲

## گروهی از دانشجویان رزمنده ایرانی در آمریکا آزاد شدند، ولی مبارزه بر ضد امپریالیسم آمریکا ادامه دارد

مبارزه دانشجویان ایرانی در آمریکا به هواداری از انقلاب درخشان ایران و با جداری از دستاوردهای آن و علیه دسیسه های رنگارنگ امپریالیسم آمریکا، متحدان غربی و نوکران سرسپرده و ساواک زده اش همچنان ادامه دارد و به نوبه نخستین پیروزی برای آنها و روسیاهی برای کاسخ سفید نشینان آنجا میدهند است. آخرین اخبار حاکیست که در حدود دویست تن از دانشجویان ایرانی، که پس از تظاهرات افشاگرانه در برابر کاسخ سفید با اعمال ضرب و شتم و وحشیانه پلیس واشنگتن دستگیر و به زندانهای نیویورک روانه شده بودند، آزاد شدند. بدین ترتیب، مقامات امنیتی آمریکا، که برگ شکنج دیگری به کتاب سیاه بلیدکارها پشان علیه بقیه در صفحه ۲

### حجت الاسلام احسان بخش:

## بی هیچ تردیدی پاکستان وابسته به آمریکا است

حجت الاسلام صادق احسان بخش، که از طرف امام خمینی جهت بررسی وضع سفارتخانه های ایران در پاکستان و هندوستان و... به آن کشورها سفر کرده بود، پس از بازگشت به ایران، در یک گفتگوی اجتماعی با روزنامه صبح گیلان "جنگل"، در پاسخ به این پرسش خبرنگار، که آیا پاکستان وابسته به آمریکا و در اختیار او است، اظهار داشت:

ج: بی هیچ تردیدی با دیدگویی که پاکستان بقیه در صفحه ۲

### اعتراض

## حزب کمونیست فرانسه به مقامات اسرائیلی

یک هیئت نمایندگی از حزب کمونیست فرانسه، در نامه ای که به سفارت اسرائیل در پاریس تسلیم کرد، اعتراض خویش را علیه سرکوب خلق مبارز فلسطین از سوی ارتش اسرائیل ابراز داشت.

کمیته های فرانسه در این اعتراضیه "سیاست ما جرجویانه اسرائیل را در سرزمینهای اشغالی عرب در کرانه باختری رود اردن و نوار غزه" تقبیح کردند و "همبستگی کامل حزب کمونیست فرانسه را با مردم فلسطین و تنها نماینده راستین آنها، سازمان آزادی بخش فلسطین" اعلام کردند.

**آنها که نهادهای...** بقیه از صفحه ۱  
 مرداد ۱۳۵۹، انتظار آن بود که اینگونه اقدامات متوقف شود و مرتکبین به مجازات برسند. ولی متأسفانه اینگونه اقدامات ادامه یافت. در روزهای ۶ و ۸ و ۱۱ مرداد، دفاتر حزب توده ایران در لنگرود، انزلی و قومن به ترتیب مورد هجوم "اشخاص متفرقه" قرار گرفتند، که انگیزه هجوم کنندگان هرچه باشد، نفس عمل، نقض حرمت

بقیه از صفحه ۱  
**معرفی هر چه زودتر نخست وزیر...**

تخریب و خرابکاری، با بهره گیری از همه دشواریها و بیسما نده های گوناگون رژیم طاغوت، با دادن زدن به نارضایتیها تلاش در رزمینده احضار بدست آورد. در چنین شرایط حساسی تاخیر در معرفی نخست وزیر و تشکیل دولت، که بسدرازا کشیده است، بهیچوجه جایز نیست. باید با تبادل نظرها، بحثها و گفتگوها، کشمکشها درباره معرفی نخست وزیر و تشکیل دولت پایان داد.

بنظر ما برای پایان دادن به بحث و گفتگو معرفی نخست وزیر مبنای لازم وجود دارد. کافی است از ذهنی گرای و تمایلات شخصی یا گروهی دست کشید، مصالح انقلاب و کشور را مقدم داشت، رهنمودهای رهبر انقلاب، امام خمینی، را درباره چگونگی نخست وزیر و وزرا و همچنین انتقادات آموخته ای که پیرامون خطای دولت موقت و انقلابی عمل نکردن آن بیان کردند، اساس کار قرار داد.

رهبر انقلاب، که احترام به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اجرای دقیق موااد آنرا ضروری میداند، صریحاً تذکیر داده اند که معرفی نخست وزیر و تشکیل دولت وظیفه مستقیم ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی است.

مردم رزمینده ایران که با خون دهدها هزار فرزند قهرمان خود انقلاب را به پیروزی رسانده اند و برای قاطع خود چنین نهادها های اساسی انقلاب چون مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری را انتخاب کرده اند، بحق از آنها توقع دارند که با درک حساسیت فوق العاده لحظه کنونی و حس مسئولیت در قبال انقلاب و کشور، انجام این وظیفه مهم خود را بیش از این به تعویق نیندازند.

بقیه از صفحه ۱  
**گروهی از دانشجویان...**

خواستاران آزادی، حقوق بشر راستین و صلح افزوده شد، درباره برعزم آهنگین دانشجویان رزمینده ایرانی سر تسلیم فرود آوردند و گروهی از آنان را آزاد کردند. امیرالیسم آمریکا نمیخواست، که چهره کرب و جفا بتکارش، که کارتر سالوسانه و مذبحخانه میکوشد تا با هیاهوی "حقوق بشر" خود را رایتیان نگهدارد، بیش از این عیان شود.

با اینهمه دانشجویان ایرانی، با اعلام پیگیری خود در مبارزه برضد امپریالیسم آمریکا، نشان داده اند که علیرغم پیروزی حاصله در یک سنگسار، لازمیست که بیکار رزدا مپریالیستی را تا پیروزی نهایی سنگریه سنگر ادا مه داد، زیرا نه تنها گروهی از دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا هنوز در ساندیکودرزندانهای کارتر بر سر میبرند، بلکه در کشورهای اروپای غربی نیز، همدستان امپریالیستی او، به پیروی از مضمی رهبر "جهان آزاد"، به سرکوب جنبش همبستگی با دانشجویان مبارز ایرانی در آمریکا و انقلاب شکوهمند مان دست یازیده اند.

برای نمونه، دولت خانم تاچر، سوگلی ارتجاعیون انگلستان و "فرشته" خود خوانده "مهددمکراسی"، گروهی از دانشجویان ایرانی را، که در تظاهرات مسالمت آمیز در برابر سفارت آمریکا در لندن، هواداری خویش را از دوستان خود در ایالات متحده اعلام داشته بودند، به استنادیک قانون قرون وسطایی و به جرم "سدمعیر" دستگیر میکنند و تحویل دادگاه میدهد، در حالیکه همین کشور، پس از پیروزی ۲۲ بهمن، به بدگسی از امن ترین بنا ها که ایضاً ضد انقلابیون و سیا و کیهای فراری میدل شده است، که شب و روز علیه جمهوری اسلامی ایران توطئه میچینند و گروهی ساری نیروهای انقلابی و عزم راسخ مردم کشور ما برای پاسداری از انقلاب را بی بخش مان نبود، بروی جنازه میلیونها تن از میهن دوستان ایرانی، بار دیگر بساط چپاول و استثمار خود را بر میان "بشر دوست" خویش رایتیان میگرداند.

ما بار دیگر به دانشجویان بیکار رجوی ایرانی در آمریکا و اروپای غربی درود میفرستیم، پیروزیهای بدست آمده را به آنها شادباش میگوئیم و همبستگی بیدریغ خود را با ادامه مبارزه ضد امپریالیستی و افشاگرانه شان ابراز میداریم.

نهادهای جمهوری اسلامی، بی اعتبار ساختن آنها و بی اعتنائی به قانون اساسی و اعلامیه دساتنی کل کشور است.

در روزهای قبل و بعد از توطئه طیس، قبل و بعد از توطئه ۱۸ تیر، از سوی عناصری که ماهیت سازمانی آنها هنوز بر مردم نامعلوم است، هجوم به دفاتر و کتابفروشیهای حزب توده ایران آغاز شد و ادامه یافت. این حملات دقیقاً در روزهایی آغاز شده و ادامه یافته است که انقلاب ایران آماج مستقیم تجاوز نظامی و توطئه های امپریالیسم سرکردگی امپریالیسم جهانخوار آمریکا، قرار گرفته، دورانی که حراست از دستاوردهای انقلاب و تضمین تداوم آن، بیش از هر وقت دیگر نیاز به یگانگی و وحدت صفوف دارد، ولی در عوض دستهایی سعی در پراکندن بذرتشت و تفرقه می کنند. بیوندنا مرئی این دستها با توطئه های امپریالیسم را مشکل بتوان انگار کرد، هر چند که این یا آن فرد، اینجا یا آنجا فقط به تبع جهل و احساسات کور خود، سر از میان این شعله های تخریب و هرج و مرج بدر آورده باشد.

با انتشار اعلامیه دساتنی کل کشور که این قبیل اقدامات را "مخل به امنیت قضایی و تضعیف ارگانهای مملکتی" و "مخالفت قانون اساسی و مصالح عالی کشور" نامید، انتظار می رفت که اینگونه ماجراجوییها و هرج و مرج طیبی های عناصر غیرمسئول پایان یابد، که متأسفانه چنین نشد، و نه تنها خانه حزب توده ایران در تهران پس از دو هفته هنوز در اشغال است، بلکه یورش به دفاتر حزب و تخریب و شکستن و بستن ادامه یافته است. در اعلامیه دساتن کل آمده بود که:

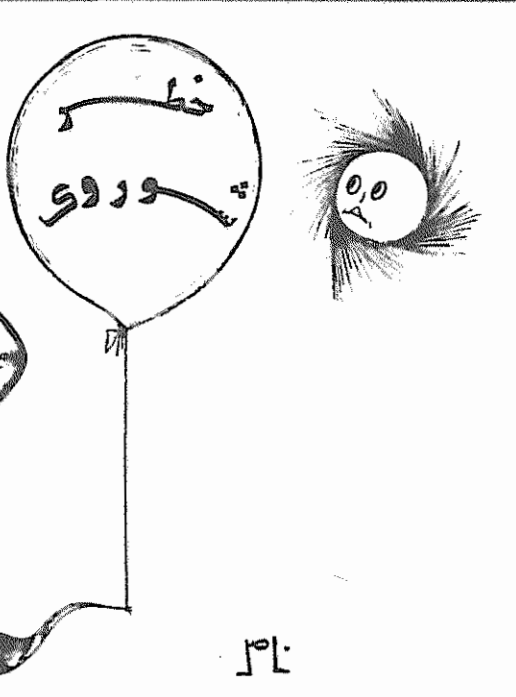
"اگر افرادی به این کارها ادامه دهند، تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت."  
 متأسفانه "این کارها" هنوز هم ادامه دارد و هیچ یک از مرتکبین مورد بی گرد و بازداشت قرار نگرفته اند. بی عملی مقامات قضایی و اجرایی کشور را در برابر مثنی بی مسئولیت، که معلوم نیست سرشان به کجا وصل است، و چرا درست سر بزنگاه به سود ضد انقلاب عمل می کنند، بچه باید تعبیر کرد؟

به گفته حجت الاسلام خامنه ای: "نقلای بودن با بی نظم بودن متفاوت است". کسانی که در شرایط بفرنج رویارویی انقلاب با امپریالیسم آمریکا بجای آنکه پیامبران وحدت و یگانگی باشند، شیطان تقنین و تفرقه و تشتت اند، چگونه و با چه روشی جرات می کنند نام انقلابی بر خود گذارند؟ حمله به دفتر مرکزی حزب توده ایران به اعتراف هادی غفاری، به تحریک او انجام گرفته و ایشان نماینده مجلس شورای اسلامی است، یعنی پاسدار قانون اساسی و مدعی پیروی از خط امام. اما در حالی که امام می گوید:

"خارجیها می خواهند که ما این طور باشیم که هیچ نظمی نداشته باشیم و مثل جنگل با هم رفتار کنیم، تا اینکه بهانه بدست آورند."  
 هادی غفاری در جهت مخالف خواست امام، نظم را به هم می ریزد، قانون اساسی را زیر پا می اندازد و به کمک مثنی چاقق دار، کسه نام "جوانان مسلمان جنوب شهر" بر خود نهاده اند، آن حزبی را مورد یورش و تخریب قرار می دهد، که از صادق ترین مدافعان انقلاب است.

این گونه اقدامات زشت، نه تنها قانون اساسی را نقض و هرج و مرج را جاننشین نظم انقلابی می کند، بلکه نهادهای جمهوری اسلامی را نیز بی حرمت می کند. اینان اگر کترین اعتباری برای این نهادها قائل بودند، پس از انتشار اعلامیه دساتن کل کشور، هجوم و تخریب را متوقف می کردند. اینان با این گونه اعمال صورتگر تصویری از جمهوری اسلامی ایران در اذهان مردم ایران و جهان هستند که مشخصه آن بی قانونی، بی نظمی و هرج و مرج و آشفتگی است. چنین کسانی، حتی در صورت داشتن حسن نیت، نمی توانند در عمل دوستان انقلاب باشند، زیرا که دوست نادانند، و همواره گفتاوند که: دوست نادان بدتر از دشمن داناست.

آنچه در این میان بر ابهام افزوده، آنست که چرا نهادهای جمهوری و از جمله دساتنی کل کشور که این "اشخاص متفرقه" اعلامیه اش را به هیچ گرفته اند، خود برای حفظ حرمت و اعتبار خویش اقدام نمی کنند؟ مگر احترام امامزاده با متولسی نیست و نباید دساتنی کل کشور خود متبئز بودن اعلامیه اش را تضمین کند و نقض کنندگان آن



**توجهی به جزئیات، بخاطر ارزش تحلیل و درستی سیاست**

گاه در یک تحلیل بطور عمده درست است، ارزیابیها و دوریهای غلط بجهت میخورد، که توجه به آنها برای خود تحلیلگر و برای خواننده ضرور است. ما البته همواره، به عمده توجه داریم و نکات منفی فرعی را برجسته نمی کنیم، تا دچار اشتباه در قضاوت و درست گیری نشویم. بی ادوری زیرنیز تنها بخاطر آنست که، حقیقت یا کتر و بدور زلفزها با شدوبرای آنکه مبادا روش سیاسی نادرستی اتخاذ شود. روزنامه "صبح آزادگان"، در شماره ۱۴ مرداد دغدود، تحلیلی از "زمان ما هدین انقلاب اسلامی" را چاپ کرده، که در آن کمال حیرت جمله زیر خوانند می شود:

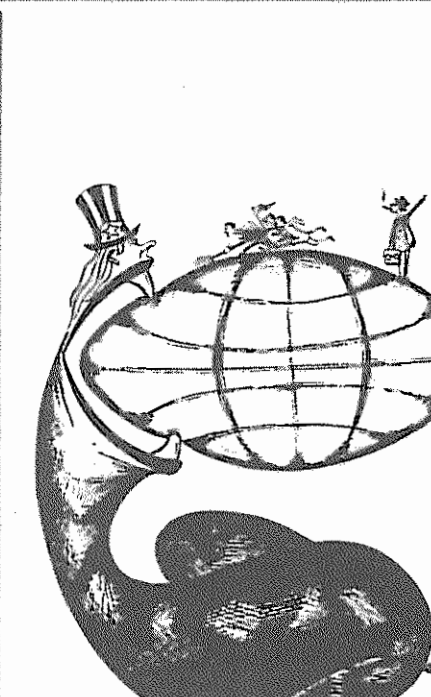
"دولت موقت نخست با یک ترکیب ائتلافی بسیلر در همی زگروه های گوناگونی چون نهضت آزادی، نهضت را دیکال، جبهه ملی، جاسا، حزب توده و همچنین با زمان ندکان بخش نظام شاهنشاهی تشکیل شد."

خواننده بی اختیار محاسبه می کند: مقصود از زمان پینده نهضت آزادی، که حتماً "آقای بازرگان و آقای دکتر یزدی هستند. نهضت را دیکال هم که معلوم است مقدم مراغهای معلوم الحال، از جبهه ملی نیز از فرادی چون آقایان سنجا بی و سلامتیان در دولت

را به کفر برساند؟  
 انقلاب ۲۲ بهمن از جمله پیام آور آزادی، دموکراسی و همزیستی اندیشه هاست. قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز این وجه از انقلاب را در خود بازتاب داده و تاکید بر آن دارد که هر سازمان سیاسی، مادام که به توطئه علیه جمهوری دست نزده، حق فعالیت آزاد دارد. این گروه نادان بی فرهنگ، این سحنه های ترور فکر و عقیده، که آزانها، ماموران کارآگاهی و ساواکی های سلسله پهلوی را در خاطر تداعی می کند، باید به محکمه انقلاب سپرده شوند، که وصله های ناجور بر دامان انقلابند. نباید دیگر کسی جرات کند که نظم و نسق انقلاب را به هم بریزد و بر دستها و دهنها دست بند و دهان بند زند. نباید کسی اجازه یابد که اندیشه ها را در قلعه و بارو محبوس خواهد. نباید کسی جرات کند که نیروهای اصیل انقلابی مانند حزب توده ایران را به بهانه های پیوچ و اتهامات واهی از فعالیت آزادانه باز دارد.

۱۵ روز از انتشار اعلامیه دساتن کل کشور می گذرد و هنوز دفتر حزب ما در اشغال است. ما از مراجع قضایی می خواهیم که اشغالگران را هر چه زودتر از خانه ما بیرون بریزند و زبان های وارده را جبران کنند. ما می خواهیم که مقامات اجرایی و قضایی کشور جلوی این بی نظمیها و یورشهای وحشیانه را بگیرند، که بالاترین سود را از این گونه اقدامات، ضد انقلاب خواهد برد.

**تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود**  
**با اتکا به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم**



بودند. از جا مانیزر سا " رهبران آقایی دکتر سا می عضوید. از با زمان ندگان نظام شاهنشاهی نیز لابدا فرادی جونا یزدیها و مولویها مورد نظر هستند. اما از حزب توده ایران؟! حزبی که رئیس همین دولت و سخنگوی رسمی اش امیرا نظام با را گفتند، تا قانون زمان گذشته ( زمان پهلویها ) بقوت خود باقی است، این حزب هنوز قانونی شناخته نمی شود؟! از این حزب چه کسی دولت بود، که تحلیلگر آنرا هم جزء ترکیب ائتلافی دولت موقت می شمرد؟! آیا سیاست سازشکار روگام کام و لیبرالی دولت موقت، بخاطر آنکه مغایر با روح انقلاب و پیشرفت آن بود، قبل از همه توسط حزب توده ایران افشا شد؟! از این جمله شتابزده و بدون مسئولیت و از این ارزیابی نادرست چه سودی عاید یک تحلیل جدی میشود؟ بنظر ما بهتر است حتی در جملات فرعی و مطالب گذرا هم دقت شود، بخصوص وقتی صحبت از نیروهای سیاسی و نقش آنها در روند انقلاب است، تا از ارزش تحلیل کاسته نگردد و روش سیاسی نادرستی در نتیجه اتخاذ نشود.

**تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است**

بقیه از صفحه ۱  
**امام، مسئولان جمهوری...**  
 با پیدا زاین جوانها، از این جوانها بی که از ایران در خارج هست، چه در انگلستان، چه در اروپا و چه در آمریکا هست، تشنه پیدا کنند، که با یچه کرد... باید این آقایان، هم نظوری که مدعی هستند، اسلامی هستیم، واقع مطلب اینست که با یچه در عملشون، در قولشون، در خطا به ها شون، در حرفها شون، در نوشته ها شون، در روزنامه ها شون نشان بدهند که ما مسلمانا میم. این چه مسلمانا است که هر روز نامه های که مال یک طایفه است، به طایفه دیگرها می کند. ما چی جواب این مردم را بدیم که می میان، از من الان وقت خواستند از با زار تهران، که بیان بکن این چه خبر است، که این آقایون چو نیست با هم؟ این آقای رئیس جمهوری مجلس، مجلس با رئیس جمهور چرا اینطور رفتار میکنند؟ چرا با یچه اینطور با شده مدای مردم در آد؟ من نصیحت بپشون میکنم. من از لسان اسلام بپشون نصیحت می کنم که با هم اختلاف نکنید. شما اگر اختلاف بکنید، راه را برای دیگران بازمیکنید. شما اختلاف با هم بنداشته باشید. سرچی اختلاف میکنید؟ چه میراثی هست، که شما می خوا هید قسمت کنید و سرش اختلاف میکنید؟ این همه مردم جوانها را دادند، میراث برای شما گذاشتند که اختلاف با هم کنید و اینطور تورا هم بریزند و اینطور فساد ایجاد کنید؟ یکفدی با هم رفیق باشید، دوست باشید، برادر باشید...  
 یک همجین ملتی که ما داریم، به این مفا، به این خوبی، که در همه قضایا پشتیبان دولتشون هستند، پشتیبان رئیس جمهورشون هستند، پشتیبان مجلسشون هستند، حیف است که این ملت را ما عواطفشون را جریحه دار کنیم و ما بشینیم با هم مخالفت کنیم. نه خدا را خوش می آید از این ونه ملت را. ملت نا راح است، از اینکار. روزنامه ها تون را جلوش را بگیرد...







# بمناسبت شصتمین سالگرد بنیانگذاری حزب کمونیست بریتانیا

حزب کمونیست بریتانیا روز ۹ مردادماه گذشته، شصتمین سالگرد بنیانگذاری خویش را جشن گرفت. ائتلاف چندین حزب کارگری و سازمان سیاسی کوچک، در "کنگره وحدت" لندن در روزهای ۱۰-۹ مرداد ۱۲۹۹ و تاسیس حزب کمونیست بریتانیا، رویداد تاریخی بزرگی در تاریخ جنبش کارگری بریتانیا و در پهنه بین المللی بود. پایه گذاری یک حزب کارگری انقلابی در سرزمین مادری سرمایه داری، دیگر به ضرورت عینی مبدل شده بود، تا در برتو آن بتوان از منافع حیاتی طبقه کارگر بریتانیا، در برابر منافع فرست طلبانه و رفرمیستی رهبران "حزب کارگر" ناطقه کارگر را از بیچاره در راه کسب قدرت سیاسی و ساختمان جامعه نو، بری از بهره کشی سرمایه داری، باز دارد.

از سوی دیگر، تاسیس حزب کمونیست بریتانیا را میتوان بمنابیه پاسخ عناصر آگاه طبقه کارگر بریتانیا به اتحاد نامقدس انحصارگران جهانی، بهره ریزی امپریالیسم بریتانیا، علیه کشورهای سوسیالیستی جهان بشمار آورد. حزب جوان کمونیست های بریتانیا، وفادار به ندای انترناسیونالیستی کارل مارکس و فریدریش انگلس، یعنی "پرولتاریای جهان متحد شوید!"، رهبری جنبش "از کشور سوراها دست بردارید!" را در بریتانیا بعهده گرفت.

کمونیست های بریتانیا، حتی در نخستین سالهای تاسیس حزب خود، و علیرغم سرکوبگری های فزاینده ضد کمونیستی، پایداری و پیگیری خود را در دفاع از حقوق و منافع زحمتکشان به ثبوت رسانیدند. در سالهای ۱۳۰۵-۱۳۰۴، هنگامی که موجی از اعتصابات کارگری سراسر کشور را به لرزه درآورد و کارگران بریتانیا نخستین بار با اعتصاب همگانی دست زدند، کمونیست های بریتانیا خویشتر را در صفوف پیشاپیش این جنبش قرار دادند. تنها خیانت رهبران راستگرای "حزب کارگر" و سدیگاه بود که سرمایه انحصاری و مالی رابه درهم شکستن جنبش نامبرده موفق ساخت.

جنبش گذشت که حزب کمونیست بریتانیا، بهره ریزی کمونیست های برجستای چون هاری بولیت، ویلیام کالاجر، پالم دات به یکی از دستگرای مستحکم جنبش بین المللی کمونیستی مبدل گشت. این حزب در کارزارهای مبارزه با "جمهوری اسپانیا" و "سیاست عدم مداخله" محافل حاکمه قدرت های امپریالیستی، موضع انترناسیونالیستی خویش را بنیوت رسانید.

دردوران جنگ دوم جهانی، کمونیست های بریتانیا با اقدام نیرو به پیشینانی از کشور سوراها و درهم شکستن فاشیسم بپاخاستند و، بدینسان، پایگاه توده ای خویش را گسترش بخشیدند. نه تنها شماره اعضای حزب افزایش چشمگیری پذیرفت، بلکه در انتخابات پارلمانی سال ۱۳۲۴ برای نخستین بار در نامزد حزب کمونیست بریتانیا به پارلمان از کشور راه یافتند.

کوشش امپریالیسم آمریکا، مبنی بر آغاز جنگ سرد و بخاطر مقابله با نفیور تناسب نیروها بود سوسیالیسم و جنبش های آزادی بخش ملی، که از پیشینانی فعالانه سرمایه انحصاری بریتانیا برخوردار می شد، نمی توانست بر شرائط مبارزه کمونیست های بریتانیایی تاثیر بگذارد. آنها مجبور گشتند تا با نموده های گوناگون سرکوبگری خونت آمیز و موج وسیعی از تبلیغات ضد کمونیستی و ضد شوروی به مبارزه بپردازند. فزون بر این، محافل حاکمه کارکشته بریتانیا، از تجربیات غنی و دیرینه خود برای فریب بخشی از طبقه کارگر استفاده می جستند، تا از این راه از توسعه اندیشه های رهایی بخش مارکسیسم-لنینیسم در میان زحمتکشان بریتانیا جلوگیری کنند. رهبران راست-گرای "حزب کارگر" و سدیگاهها، آنروز نیز مانند امروز، با سیاست اپورتونیستی و رفرمیستی خویش، ارزنده ترین دستیاران آنها بودند. در ده سال گذشته عناصر راستگرایا از این نیز فزاتر گذشته و می گویند تا با "تئوریهایی" رویزیونیستی و نفیور فرمیستی خود، کمونیست ها را نیز، مستقیم و غیر مستقیم، از راه سوسیالیسم علمی بازدارند.

عوامل نامبرده سبب شده است که حزب کمونیست بریتانیا تا به امروز، برای بسط نفوذ سیاسی خویش و ایجاد پایگاه توده ای ثابت، در پیگیری روز به روز دشوارتر درگیر باشد. با اینهمه، بورژوازی بریتانیا و دستیاران سوسیال دمکرات آن تاکنون نتوانسته اند حزب کمونیست بریتانیا را از صحنه سیاسی آن کشور بدرکنند. توان فزاینده سوسیالیسم واقف موجود، پیروزیهای شگرف جنبش های آزادی بخش ملی و تحکیم هر چه بیشتر نهضت بین المللی کارگری، در بریتانیا نیز شرائط پدید آورده است که با دوران جنگ سرد فرق بنیادی دارد. این واقعیتی است که حطلات متقابل ارتجاعی ترس محافل سیزده آن تغییر نمی تواند داد.

سی و پنجمین کنگره حزب کمونیست بریتانیا، که در بانیز سال ۱۳۵۶ برگزار شد، برنامه مصوب ۱۳۳۰ حزب را، زیر عنوان "راه بریتانیا به سوی سوسیالیسم"، پس از برخی اصلاحات تأیید کرد. در این برنامه گفته میشود: "این برنامه، به پایه تئوری سوسیالیسم علمی مارکس و انگلس استوار است... طبقه کارگر و متحدان او باید، برای ساختمان سوسیالیسم، قدرت سیاسی را از دست بورژوازی خارج سازند."

حزب کمونیست بریتانیا، بر پایه این برنامه استراتژیک، مبرم ترین وظیفه کنونی خود را ایجاد و تحکیم جنبش وسیع ضد انحصاری زحمتکشان، تعیین کرده است، تا به کمک آن بتوان در گرونیهای دمکراتیک و بنیادی رادر گستره زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پدید آورد. این حزب، تشکیل جبهه متحدی از نیروهای چپ را شرط اساسی گذار به سوسیالیسم می داند.

هائیکونه که سی و ششمین کنگره حزب کمونیست بریتانیا در سال گذشته تصویب کرد، حزب اینک همه فعالیت خویش را در پیکار علیه سیاست داخلی و خارجی دولت ضد کارگری، ارتجاعی و ضد کمونیست تاجر متمرکز



اهالی تباله را برای مصرف سوخت خود جمع کرده اند (قاراقیه - مشکین شهر)

## «قاراقیه» - فقر امروز میتواند به شکوفائی فردا بدل شود

کادری به روستا

"فقر نداریم، گاز و شیل نداشتیم و تراکتورها به همین علت خوابیده اند."

دانش آموزی می گوید: "بعضی ها به عمد می خواهند رفاقتی بوجود آورند و به مردم بگویند که انقلاب کردید و بیا بدید بختی بکشید. اینان به هر ترتیبی که شده می خواهند جلوی پیشرفت انقلاب را بگیرند. از زمینهای زراعی می برسیم، می گویند: زمینهای این ده بسیار حاصلخیز است. بذری که با شیده می شود، محال است که نرودید و نرسند."

دیگری می گوید: "اگر دولت امکانات مادی و فنی در اختیار ما بگذارد و جاده ارتباطی درست کند و مسئله حمل و نقل آن برطرف شود، هم وضع ما خوب می شود و هم طرح تولیدات کشاورزی با لای رود و دیگر هم هیچ احتیاجی به وارد کردن کالا از خارج نخواهد داشت."

خواستها بسیار است. آن دیگری اضافه می کند: "واکنشی با زار برای فروش نداریم. همیشه به سلف خرابه ها رهسپاریم."

شکایتها خودا هند که دولت یک شرکت تعاونی واقعی در آنجا دایر کند. یکی از اهالی، که ۵۰ ساله به نظر می آید، می گوید:

"اگر کسی مریض بشود و احتیاج فوری بزرگ داشته باشد، مرگش حتمی است. اومصرا نه از ما می خواهد که گفته ها پیش را به گوش مقامات مسئول برسانیم. اگر بخواند هم که کشور ما خود کفا شود و تهدیدات امپریالیسم آمریکا را نبیند، نداشتند باشد، می باید عمل به شهران رفتند و شکایت روستا ها، استفاده کنیم. قاراقیه تنها یک نمونه از هزارهاست. برای بهره گیری از امکانات با بدیهه خواستهای کشاورزان رسیدگی شود، یعنی تا به اندازه ای بزرگ مالکان به روستا نمانند و واگذار گردد، در زمینهای شاع تعاونی های تولید ایجاد شود، وسایل ضروری جهت کشت در دسترس دهقانان قرار گیرد و مشکلات گوناگونی که گریبانگیر آنان است، برطرف شود، تا آنان با جان و دل به کار کشاورزی بپردازند."

## شکایت مالک از خرده مالکان!؟

روستای ایرج در اطراف سداب ریوش واقع است. مالک این روستا فردی بنام "محمدخان فرقا" می بود، که در سال ۱۳۴۱ عوامل وی یک نفر را گشتند و ۸ نفر را زخمی کردند. روستا ن در اعتراض به این عمل به شهران رفتند و شکایت کردند. در سال ۱۳۴۸ اتحاد دهقانان و مبارزه آنها علیه مالک موجب شد که ۴۰۰ هکتار از زمین های وی را پس از ۲۲ خانوار روستا ن تقسیم شود، که این زمین ها همگی دیمی است. در این روستا ۸ خانوار خوش نشین وجود دارد. خوش نشینان طلب کرده اند که زمینهای یکی دیگر از مالکان این روستا، تراکسه ۵۶ هکتار است، واگذار شود.

اخیرا مالک بزرگ روستا از سه نفر خرده مالک، که در سال ۱۳۴۸ در اثر ترمیم رز به بیگاری نه توانسته بودند صاحب زمین شوند، شکایت کرده است. وی ادعا کرده که در مقابل ۴۰۰ هکتار زمینهای خود که خرده مالکان ما بخرده اند، باید پول زمینها را دوباره بدهند! مالک بزرگ چند بار به با سگاه شکایت کرده و روستا ن را به گروهان مرودشت برده و موجبات ناراحتی روستا ن را فراهم کرده است. وی با این طریق آنها را با کسانندن به شهران زکارت و زندگی باز میگرداند. در این زمان که با بد کلیه زمینها به دهقانان برسد و زمینهای بزرگ برافتد، این شخص برخلاف روح انقلاب و قانون عمل می کند و متاسفانه کارش را از زمین می برد. روستا ن می گویند: ما قبلا به داریم که این زمین به ما تعلق دارد و در نتیجه اتحاد و پشتکار به ما رسیده است. در ضمن اظها ر میدارند، بخاطر اینکه کمشکس بوجود نیاید، هر طور که مقامات دادگاه انقلاب وسایه با داران، که نهادی انقلابی است، دستور دهند، عمل خواهیم کرد. شرط رسیدن این دهقانان به خواست خود این است که اتحاد خود را حفظ کنند و اجازت

## اخبار هفتالی

### اتحاد و تشکل ضمانت برای پیروزی است

روستا و فلاق موسی بیگ، در آغوش کسوه بزغوش واقع شده است و زمینها ۳۵ کیلومتر فاصله دارد. آب رودخانه کوچکی که از وسط آن عبور می کند، در تابستان خیلی کم تقریبا خشک است و اهالی اکثر "با کمبود آب مواحه هستند.

حدود ۵۵ خانوار با جمعیتی حدود ۲۶۰ نفر در این روستا زندگی می کنند. تاکنون ده خانوار از این روستا کوچ کرده اند. زمین این ده ۵ دانگ و یک سیه است. مقدار رزیا در این زمینها بصورت دیم کشت می شود. نوبت آب در تابستان هر ۶ روز یکبار، آنهم ۱/۵ ساعت برای هر "بونزا" و خیلی ناچیز است.

در زمینهای کتا رودخانه تعدادی درخت سیوه نیز وجود دارد. بقیه زمینها اغلب بدون کشت مانده اند.

اکثر اهالی دا میروند و خانوادها می دامدار از ۵ تا ۴۰ رأس دام نگهداری می کنند. آنها در تابستان به کوه بزغوش کوچ می کنند و مردان در فصل با شیزوستان برای کارگری جاهای دیگری روند، تا هزینه زندگی خانوادها را تأمین کنند.

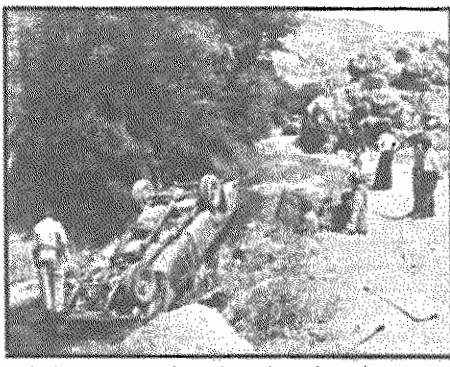
جاده روستا در طول سال ۴ ماه بسته است. این ده فاقد وسیله نقلیه است.

در مدرسه ابتدائی با دو معلم، ۲۸ نفر محصل درس می خوانند. خانوادها می که توانا شای مالی کمتری دارند برای تأمین معاش خانواده از کار کودکان استفاده می کنند و همین امر مانع رفتن آنها به مدرسه می شود. در عرض هفت سال که مدرسه تاسیس شده، فقط ۳ نفر در کلاسهای بالاتر توانسته اند که تحصیل بدهند و بقیه در کارهای کشاورزی و کارگری مشغولند. توسط معلمان روستا از اهالی برای تشکیل شورای ده دعوت شده است، ولی بعلت عدم آگاهی از اهمیت نقش شورا و از طرف دیگر بعلت دودستی موجود و اختلافاتی که در روستا در دوران طاغوت است، شورا هنوز موفق نبوده است.

مشکلات متعدد و بی توجهی مسئولین فقدان اقدامات قاطع، فقر سیاه و جدال درونی وضع دشواری در این ده بوجود آورده است. با حل معضلات آنان، بویژه تأمین آب و مطالعات محلی برای بهترین طریق از دیداد آب زراعی و تشویق دامداری و خرید و فروش محصولات بتوان این زحمتکشان را به انقلاب آینده روستای خودشان امیدوار کرد و جلوی مهاجرت به شهران گرفت.

برای بهبود شرایط زندگی و کار، دهقانان این روستا با بدیه حقوق صنفی خود آشنا شوند. تشکیل شورای ده برای تماس با مقامات مسئول، حل مسائل تولیدی و نیز تشکل در اتحادیه های دهقانی و احترار از زودستی و جدالهای قذیبی وسیله ایست برای موفقیت آنان در رسیدن به حقوق خود.

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است



بسی و سه همتاریهای جاده های روستا ن اغلب عامل بروز تصادفات و زیانهای ناشی از آن است. همین عکس یک حادثه روستائی در بخش هوراند اهر را نشان می دهد که در آن جنبین حوادثی کم اتفاق نمی افتد.

ندهند که زمینها را ن بزرگ بین آنها و دیگر روستا ن زحمتکش بقا و چند دستی ایجاد کنند. آنها با بدستی کنند که با اتحاد و همبستگی خود و به کمک نهادهای انقلابی به خواست خود، که همان خواست انقلاب است، برسند. وظیفه مسئولان دولتی است که هر چه زودتر هیئت فتنه، نرها ملاحات ارضی را با شرکت دولت از نماندگان دهقانان بی زمین و کم زمین تشکیل دهند و تکلیف این آقای مالک بزرگ را که ظاهرا "با با سگاه هم زد و بندگان، تعیین کنند.

با تشکیل تعاونی روی زمینهای که مالکیت متاع آنها به دهقانان منتقل می شود، می توان ریشه بزرگ مالکی را کند و آینده شکوفائی را برای دهقانان تأمین کرد.

دهقانان کم زمین و بی زمین! به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سرپا و بسود شما اجرا شود



### چادر نشینان زیر پل هوایی:

## تمام بدبختی های ما از آمریکا است

### اگر این انقلاب مستضعفان است، پس باید پیر و ز شود تا زحمتکشان از ثمرات آن استفاده کنند



بارهم سخن از آواره نیمی است. آواره نیمی زحمتکشان در عهد انقلاب. زحمتکشان که سالهاست در بردن و تنهایی آرزویشان داشتند یک سریناه، و امیدشان به انقلاب. سخن از چادر نشینان زیر پل هوایی، بیابان اطراف میدان آزادی است. زحمتکشان در میدان آزادی در انتظار آزادی از تنگنای استعمار...

در یک کیلومتری میدان آزادی، زیر تقاطع پل هوایی اتوبان طرشت و خیابان محمدعلی جناح، در محل احداث ترمینال، حدود ۳۰ چادر، آوارگان دردمندی را در خود پناه داده است. اینها بسا دگی در بردارنده اند. محمدرضای منفور بیکت اصلاحات ارضی فرما بی و بسیلنه مزدوران خود، بتدریج روستاها را تصفیر و شهرها کرد. آوارگان میا جراین بارهم بسه تهران آمدند. سالها در بردی در اینجا و آنجا، و بالاخره ۶ ماهی است که زیر پل هوایی بیابانهای اطراف میدان آزادی، زمینهای ترمینال، زمینهای اوقافی، چادر زده و بیتما شسا نشسته اند. با اینکه سر تا پا در دورنچاند، اما توقع زیادی از انقلاب ندارند: فقط نجات از در بردی.

از این ۳۰ چادر، ۸ الی ۱۰ تنی آن متعلق به شیرازیه و کازرونی ها. پای صحبت یکی از بزرگان آن می نشینیم. واقعا "از علی علیزاده دردمندتر نمی توان صحبت کرد. درد آوارگی، بی خانمانی، غربت و نا جاری:

در آن اصلاحات ارضی شاه مخلوع در فارس، فئودالها و خانهای طایفه تا مرغان و خسروخان قنقایی تمام اموال ما را ما حب شدند و ما را رعیت خودشان کردند. آنها ده علی آبا در اتما ما "به تصرف خود در آوردند، و در نتیجه ما بعد از زحمتها در بردی و سرگردانی رو به تهران آوردیم. الان حدود ۶ ماهی هست که در این بیابان چسار زده ایم. از راه دست فروشی، بافتن پتوهای محلی و فروش آنها، فعلگی و کارهای دیگر روزگاری گذرانیم. خانواده های ما هر کدام روزانه بین ۷۰ تا ۱۰۰ تومان عایداتشان می شود. اما با این گرانی و بدبختی زندگی ما چند برابر از گذشته شکل تر شده است. "علیزاده، که چهره ای مستول و مصمم و مصلو از امیدوار طمینان به انقلاب دارد، می گوید:

"باعث همه بدبختی های ما آمریکا است. انقلاب ما در صورتی بیروزی می شود که مردم بسه هدبگر کجک کنند و متحد باشند. به سراغ یکی دیگر از چادر نشینان می رویم: اهل قهرمان شهر "گرما نشاه" است. خودش را رضایی معرفی می کند. مردی است تقریبا ۵۰ ساله. دارای ۱۱ سرعائله است. قبلا در مرز ایران و عراق ساکن بوده است، که بخاطر نامتنی های ناشی از هجوم مزدوران رژیم بعث از ۴ ماه پیش به تهران رسیده و بیابان آمده است. رضایی هم خسته و اندوهگین است: "بیرم احمدیاسا دار بود. درس فید سست گومله ایها شهید شد. و در حالیکه آماره بسه

"می دانم آمریکا دشمن ما است. ولی از امام ورثین جمهور می خواهم که در مملکت آراش فرا هم بکنند و ما کارومکن بدهند. ما آرزوی ندا ریم جز یک خانه ای که ما را ازین همه بدبختی و در بردی نجات دهد. اینجا برای سلامتی زن و بچه ما خطرناک است. مگس و پشه بمان نمی دهد. تهیه آب برای ما بسک بدبختی بزرگ است. اگر یکی مان خیلی بیمار شود، به درگاه آریا شهر مرا جمع می کنیم. اما آنجا هم ۵۰ تومان ویزیت می گیرند، ما هم که مرتب مریض می شویم، چون زباله ها را در اطراف همین چادرها می ریزیم. جای دیگری هم برای این کار ندا ریم. آخر اگر این انقلاب، انقلاب مستضعفان است، پس باید پیر و ز شود تا زحمتکشان از ثمرات آن استفاده کنیم."

### وضع خدمات عمومی چادر نشینان

چادر نشینان طبق گفته خودشان قبلا "آب مورد نیاز بوسیله لوله کشی، از یک خانه در حدود ۵۰۰ متری محل چادرها تا مین می کردند. اما چون توانایی پرداخت قیمت سهمیه آب خود را به صاحب خانه مزبور ندا شتند، آب برویشان بسته شد. در حال حاضر مدتی است که آنها آب مصرفی خود را با سطل و بشکه های کوچک از بسب بنزین، واقع در خیابان محمدعلی جناح تا مین می کشند. از برق هیچ خبری نیست. وسیله روشنایی آنها چراغهای نفت سوز یا گاز سوز است و زمانی هم با آتش زدن چوب و آشغال کورسویی به شام تاریکشان می بخشد.

بیشتر بچه های چادر نشینان حدود (۶ الی ۷۰ بچه) املا" به مدرسه نرفته اند، و فقط چند تنی از آنها تا کلاس دوم و یا سوم ابتدایی درس خوانده اند.

جوان ۱۸ ساله ای به نام **چامور رضایی**، که سال موفق به اخذ بلیت شده و دست راستش در مبارزه در دوران انقلاب برای ما بیت گلوله ناقص شده است، در ارتباط با اوضاع عمومی چادر نشینان می گوید:

"اینجا حتی یک رادیوی باطری دار هم ندارند و به همین جهت زیاد از اوضاع مملکت مطلع نیستند. ولی همه این را می دانند که اگر چه زودتر اقا می در جهت بهبود وضع مسکنشان صورت بگیرد، با فرا رسیدن زمستان و ریزش برف و باران به سر نوشت به مرا تنب نکبت با رثی دجا خواهد شد."

وقتی از چادر نشینان سوال می کنیم: آیا دوست دارید به زادگاه خود برگردید و روی زمینهای خود کار کنید، تقریبا همه با تبسمی تاباورانه جواب می دهند:

"البته تهران بهتر است، ولی اگر سرو- سامان داشته باشیم، چه تهران و چه جای دیگر، فرق نمی کند. فقط از دولت می خواهیم ما سرو سامان بدهد."

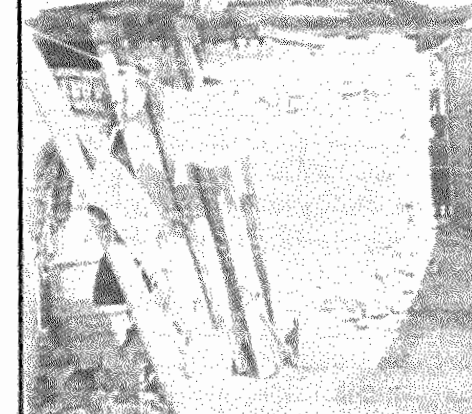
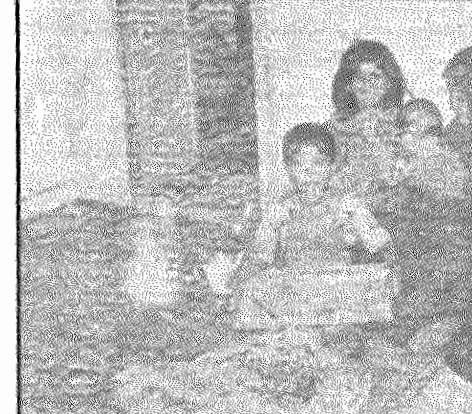
### بزرگترین آرزوی ماداشتن يك خانه است

بسرکوی می کند - این هم بسردیگر من است. اسمش جهانگیر است. ۱۰ سال دارد. مبتلا به بیماری پوستی است.

تمام سینه و پشت و کمر چها نگیر زخمی و متورم است. رضایی چنین ادامه داد:

"در حدود ۲۰ تا ۳۰ ساله چادرها متعلق بسه مرزنشینان و اهالی بی چیز قهرمان شهر است، که به تهران آمده اند. زنهای ما در کنار چادرها با هم میز و چراغ نفتی غذا می بزدند. و مردها از صبح تا شب به دنبال لقمه تانی در خارج از این چادرها مشغول دوندگی هستند. بعضی از آنها توانسته اند در یک شرکت سنگ بری با روزی ۱۱۰ تومان استخدام شوند. ولی شما را بخدا این روزها با ۱۱۰ تومان چکار می توانیم کنیم؟ تا الان دویا بسه با راز طرف دولت و گویا دفتر اما مویا مستضعفان به اینجا آمده اند و زمینها را خط کشی کردند که بین ما تقسیم کنند. اهالی چادرها هم ۱۰ نفر را انتخاب کردند که بسا مقامات صحبت کنند. اما خلاصه تا الان هیچ خبری نشده است. گاهی روزهای جمعه از طرف ارتش برای ما غذاهای آماده - غالبا "آش" می آورند. گاهی هم مردم به ما گوشت قربانی می دهند."

رضایی می گوید:



### بیشتر مردان این محله بیکارند و تمامی زنان محله در خدمت بالاشهری ها

"شوهرم بیکار است و بعضی مواقع یک جمعه میوه می خرد و می فروشد، که با پول آن فقط خرج سبکداری می آید. ۶ فرزند دارم و برای اینکه خرج آنها را در بیارم، هفتای چند روز در منزل بالای شهر کار می کنم..."

زیبا آنگاه از خواسته های حرف می زند و می گوید:

"... قبل از هر چیز دلم می خواهد اختلافات در داخل دولت از بین برود، تا بتوانند کاری برای مردم انجام دهند..."

در حین حرف زدن وارد خانه اومی شویم. زبیرانداز یک گلم باره و چند گونی است. آلونکش بنجره ندارد و تنها از یک در کوچک و کوتاه نور به داخل اتاق راه میابد. نفس کشیدن در این آلونک سخت است. زیبا می گوید:

"دلم می خواست دولت برای شوهرم کار ایجاد میکرد و به ما خانهای مناسب برای سکونت می داد."

بعد از خدا حافظی با خانم زیبا گفتم، به خانه دیگری در همسایگی وی می روم. خانه متعلق به "علی مهدی زاده" است. چهل سال دارد و از روستاهای آذربایجان آمده است. بیکار است و قلع. روزها از بچه ها نگاهداری می کند تا زانش در خانه های بالاشهری خرج آنها را در بیارود. ۸ بچه دارند که بزرگترینشان ۱۵ سال دارد. هیچکدام از بچه ها درس خوانده اند. اتاقک علی هم تنگ است هم نور. زبیراندازش آنقدر باره است که به چشم نمی آید و چهره اش آنچنان چروکیده شده، که بکلی صورت وی را دگرگون کرده است. وقتی از خواستهایش می پرسیم، با آه سردی می گوید:

"هیچی ندارم. به ما کمک کنید. دیگر چه می توانم بگویم!؟"

خانم شهباز صباقتی ساکن یکی دیگر از این آلونکها، که ۱۳ سال است جزوی فاضلاب ننشیده و برجری جز گلم باره ای نداریم، می گوید:

"شوهرم مقلی است. ولی حالا بیکار است. خودم مجبورم در خانه های شمال شهر ختسویی کم تا خرج مان بگذرد..."

خواست او نیز مانند بقیه است. آیا وقت آن رسیده است که انقلاب با سخوی این خواستها باشد؟

### در «کوره حسین نفتی»

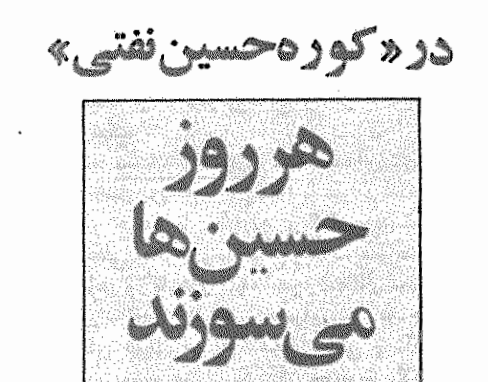
در «کوره حسین نفتی»، هر روزه حسین هامسوزند و می سازند، و هر دم با این امید که انقلاب کوره آنها را نیز در نوردد و زندگی بهتری را برایشان بنیاد گذارد.

محله "کوره حسین نفتی" به واقع به کوره می ماند. محله ای تنگ با چندین آلونک تودرتو و در هم فشرده، با سقفهای گلی و چوبی و خلاصه هر چه شود با آن سرپناهی ساخت. این محله که در زمینی که سابقا کوره بوده و اطراف آن هنوز بصورت کود خالی است، در خزانه فوج آباد سابق، پشت فلکه سوم واقع شده است. در این بماضلاح محله ۳۵ خانوار، که حدود ۲۰۰ نفر، زن و مرد و کودک می شوند، تنگ تنگ هم زندگی می کنند، زندگی کنه، درهم می لولند. اینها قشری از بیلیونها زحمتکش روستایی هستند که در اثر سیاستهای نواستعماری و به اصطلاح اصلاحات ارضی شاه مخلوع، آواره شهرها شده اند و به علت فقدان تخصص به انجام کارهایی نظیر مستحدمی منازل، آدامس فروشی، ماشین سوئی و حتی گدائی پرداختند.

بیش از این، از کنار این محله شهر بزرگی عبور می کرد، که فاضلاب شهر در آن روان بود. در مواقع بارانی این فاضلاب به آلونکها سرازیر می شد و به آنها صدمات بسیاری می زد. ۲ سال پیش روی این شهرکالی زدند تا اصطلاح مردم را از شر فاضلاب راحت کنند، اما اینک باله ای که اطراف این کانال را فرا گرفته است، تا بیری بنزافاضلاب ندارد. در نتیجه مگس و انواع حشرات بزی در این محل بیداد می کند و بچه های این محله در رض انواع بیماریها قرار دارند. بچه هایی که اگر ررون نیابند، در آلونکهایشان نیز امنیت چندانی در نظار آنها نیست. سقفهایی که چکه می کند، در بنیست فروریزند.

آب اهالی "کوره حسین نفتی" از شیرهای آب عمومی مین می شود و بعد از انقلاب اهالی از تیرهای برق خیابان ی خود برق کشیده اند. بیشتر مردان که در این منطقه تند، عملا بیکارند و همسرانشان با کار کردن در خانه لوان نان بخور و نمیر خانواده را تهیه می کنند. خبرنگار "مه مردم"، که با یکی از زنان زحمتکش این محله گویی دانست، می نویسد:

اسمش زیبا گفتمی است. حدود ۳۷ سال دارد و ۱۲ سال، که در اینجا زندگی می کند. اومی گوید:



**گوانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد**



# یادآوری‌هایی درباره

# آرایش طبقاتی در جامعه کنونی ایران

جامعه‌شناسی علمی و انقلابی مارکسیستی به مسئله نظام طبقاتی جامعه اهمیت بسیار میدهد، زیرا افرادی که در یک جامعه زندگی میکنند، صرف نظر از عصر تاریخی خاص خود، به طبقه یا قشری متعلق هستند و در داخل چارچوب آن طبقه یا آن قشر میاندیشند و عمل میکنند و لذا به‌سختی با آن انسانها در سیاست کند فهم باقی میمانند، اگر در پس اعمال و اقوال، محتوی و تعلق طبقاتی را کشف نکنند.

ماهیت هر انسانی عبارتست از مناسبات اجتماعی که در وجود آن فرد انسان متمرکز و تبلور میشود و تاریخی و مختصات طبقاتی که در آئینه ویژگی‌های روحی آن فرد عکس‌انداخته است.

واژه "طبقه" در جامعه‌شناسی مارکسیستی دارای تعریف معینی است که با کاربست آزادانه و بی-مسئولیت این واژه در نزد غیر مارکسیست‌ها فرق اساسی دارد. برای غیر مارکسیست فرقی بین معنای "طبقه" و "گروه" و "دسته" و "لایه" وجود ندارد. ولی جامعه‌شناسی مارکسیستی افراد جامعه را برحسب رابطه آنها نسبت به وسایل تولید ثروت مادی، و جایی که آنها در داخل این دستگاه تولیدی دارند، و سهمی که از ثروت این تولید بدست می‌آورند، و اینکه آیا بهره‌کش هستند یا بهره‌ده، مورد بررسی قرار میدهد و بر حسب اینکه نظام کلی اجتماعی کدام است، پدرب سالاری است یا بردگی، فئودالی است یا سرمایه‌داری، طبقات هر نظام را جداگانه معین میکند، و بدینسان منظره بسیار متنوعی از طبقات در تاریخ بدست میدهد و انسان کلی و مجرد را به انسان مشخص میداند، که دارای چهره روشنی است، و اعلام میکند که تاریخ از آغاز پیدایش مالکیت خصوصی ابزار تولید، تاریخ مبارزه طبقاتی بهره‌دهان و بهره‌کشان است.

علاوه بر "طبقه"، در تشریح ساخت طبقاتی جامعه، به واژه "قشر" بر میخوریم که با طبقه فرق دارد. قشرها (مانند قشر روشنفکران، قشر کارمندان، قشر روحانیون) در عین داشتن وجه مشترک، که اعضا آن قشر را یکدیگر همانند میسازد، از جهت طبقاتی یکدیگر نیستند. مثلا در قشر روشنفکران، ما به روشنفکرانی برخورد میکنیم که جز بورژوازی یا خرده بورژوازی محسوبند، یا روشنفکرانی مییابیم که از جهت موضعگیری اجتماعی خود نماینده زحمتکشانند. در داخل طبقات و قشرها، بر حسب قدرت اقتصادی یا نوع مشاغل، رشته‌ها و لایه‌ها و صنفا وجود دارد، که تقسیم‌بندی مربوط به آنها البته مهم است، ولی به اهمیت اساسی تقسیم‌بندی جامعه به طبقات و قشرها نیست. مجموع این سیستم تقسیم‌بندیها را باید تقسیم‌بندی طبقاتی جامعه نام نهاد.

یک مقاله کوچک در روزنامه "ما" جای مناسب برای غوطه‌زدن در جزئیات این تعریفها (که خود این جزئیات مسلما مهم است) نیست، و بهمین جهت توجه خود را معطوف آن میکنیم که در جامعه معاصر ایران آرایش طبقاتی چگونه است.

جامعه ایران اکنون در حال انتقال است و اگر پیش از انقلاب، با اطمینان میتوانستیم این جامعه را یک جامعه سرمایه‌داری وابسته بنامیم (که در آن هنوز بقایای برخی نظامات ماقبل سرمایه‌داری، مانند پدرب سالاری و زمین سالاری در ده و شهربانی است)، اکنون دیگر نمیتوانیم خلعت عمومی نظام اجتماعی را معین کنیم، تا روند موسوم به "کهرنگه"، که هم اکنون در سیاست و اقتصاد جریان دارد، به سرانجامی برسد. لذا به اتکا هویت‌پیشین این جامعه. ما این جامعه را طبق "قرارداد"، جامعه "سرمایه‌داری" حساب میکنیم و نظریات خود را بر آن مبدا متکی میسازیم و می‌کوشیم تحولات جاری را نیز در مد نظر بگیریم.

وقتی می‌گوئیم جامعه ایران، جامعه سرمایه‌داری است، این ایدئولوژی بدین معنی نیست که این یک جامعه خالص سرمایه‌داری، یا سرمایه‌داری پیشرفته است، که در آن دیگر وظائف انقلاب ارضی ضد فئودالی و ضد استعماری (برای استقلال سیاسی و اقتصادی کشور) مسئله‌تأمین دموکراسی سیاسی و اقتصادی، مسئله رها ساختن جامعه از بسیاری مناسبات پدربشاهی (درعشایر) و ماقبل سرمایه‌داری (در کارگاهها و دکانهای پیشووری) و غیره و غیره حل شده است. چنین دعوی، یک دعوی ابلهانه و سطحی است. لذا وظائف دمکراتیک سنگینی باقی

است، و بهمین جهت انقلاب ما یک انقلاب دموکراتیک است و باید باشد و نه یک انقلاب سوسیالیستی. بهمین جهت چپ‌روها می‌که این وظایف سنگین حل نشده و ضرورت اجراء وظائف دمکراتیک را نمی‌بینند، دچار اشتباه‌بزرگی هستند. با اینهمه، از آنجا که مناسبات مسلط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در شهر و حتی در اکثر روستاهای ایران دیگر مناسبات تولید بزرگ کالائی سرمایه‌داری است، ما جامعه ایران را تا هنگامیکه تحولات انقلابی جاری بالاخره راه رشد آنرا تعیین و مشخص کند در درون نظام سرمایه‌داری جای میدهم و کیفیت عمده را ملاک میسازیم، نه کیفیت‌های فرعی و جنبی را، علیرغم همه اهمیت و وزنه‌ای که این کیفیت‌های فرعی و جنبی داراست.

اما در جامعه سرمایه‌داری ایران طبقات و قشرهای اساسی برقرار زیرین است:

۱. طبقه سرمایه‌داران (اعم از سرمایه‌داری وابسته یا غیروابسته، قشر سرمایه‌داران ارضی را نیز در همین جا وارد میسازیم)،
۲. طبقه خرده‌بورژوازی،
۳. طبقه کارگر،
۴. جامعه دهقانانی که در نظام سرمایه‌داری خود از قشرهای مختلف تشکیل میشود.
۵. قشر روشنفکران،
۶. قشر کارمندان، افسران و گروه‌بانیان،
۷. قشر روحانیون،
۸. قشر زحمتکشان غیر پرلتاری یا مستمندان شهری،
۹. عناصر و افراد بی‌طبقه و پرولتاریای زنده پوش (لومین).

اینک درباره هر یک از این طبقات یا قشرها به اختصار توضیح میدهم:

۱. طبقه سرمایه‌داران (یا بورژوازی): طبقه سرمایه‌دار مالک وسایل تولید است، ولی در روند تولید شرکت بلاواسطه ندارد و زحمتکشان را مورد بهره‌کشی قرار میدهد. رشته‌ها و لایه‌های مختلف سرمایه‌داران را از چند جهت میتوان معین کرد:

الف - از جهت عرصه اساسی عمل: مانند صنعت، بانکداری، کشاورزی (اعم از دامپروری، کشت، باغبانی، بستنکاری و غیره)، بازرگانی (اعم از صادراتی و وارداتی و غیره). لازم به تصریح است که ما در شرایط کنونی سرمایه‌داری ایران، دیگر با یک طبقه مستقل مالک فئودال یا نیمه فئودال روبرو نیستیم، بلکه میتوان این طبقه سابق را که در حال زوال هست اکنون قشری از سرمایه‌داران، یعنی زمینداران بزرگ بحساب آورد.

ب - از جهت حجم سرمایه: مانند سرمایه‌داران بزرگ، متوسط و کوچک.

در داخل هر لایه‌ای میتوان بازم گروه‌بندیهای همگونی یافت و تقسیم‌بندی‌هایی بر حسب نوع شغل و مشخصات همانند دیگر انجام داد. نکته مهم اینجاست که بسیاری از سرمایه‌داران بزرگ کشور ما با سرمایه‌داری جهانی در آمیزیافته بودند، ولی البته این بدان معنی نیست که این درآمیزی تنها در بخش سرمایه‌داری بزرگ بود و در لایه‌های دیگر انجام نگرفته بود. اتفاقا سیاست امپریالیسم و رژیم گذشته این بود که بر میزان درآمد سرمایه داخلی (ولو متوسط و کوچک) و آنهم در همه عرصه‌ها که در بند الف ذکر کرده‌ایم با سرمایه خارجی بیافزاید.

نکته مهم دیگر آنست که سرمایه‌دار کوچک مانند بازرگان کوچک (کسبه و مغازه داران) یا صرافان کوچک، یا صاحبان کارگاههای کوچک، با خرده بورژوازی از دید صرفا اقتصادی فرق دارند. مثلا یک کاسب کوچک به لایه بازرگانان (طبقه سرمایه‌داری) متعلق است و خرده بورژوا نیست، اگرچه از بسیاری شرایط، مانند شیوه تفکر و معیشت همانند خرده بورژوازی باشد. این مخلوط کردن مفاهیم سرمایه‌دار کوچک با خرده بورژوازی، از لحاظ اشکالات زبانی، در زبانهای اروپائی شده است و لازم است توجه را بدان جلب کنیم. در فارسی ما میتوانیم "بورژوازی کوچک" را از جهت اقتصادی غیر از "خرده بورژوازی" بشمریم، اگر چه از جهت اجتماعی، سیاسی، روحی و فکری بین این دو تفاوتی در جامعه نیست.

۲. طبقه خرده بورژوازی - طبقه خرده بورژوازی مالک وسایل تولید است و خود در تولید شرکت دارد و در عین حال از نیروی کار دیگران نیز بهره‌کشی میکند. خرده بورژوازی را به سنتی

(مانند آهنگران، سراجان، خیاطان، نجاران، کفاشان و غیره) و امروزی (مانند صاحبان کارگاههای کوچک ماشین‌های بدکی سازی، که خود نیز در آن بکار مشغولند) میتوان تقسیم کرد. به خرده بورژوازی مسلما باید قشر پر عده دهقانان میانه حال رانیز افزود و این مطلبی است که در بحث از دهقانان آرایبان خواهیم داشت.

از آنجا که در قشرهای روشنفکر و کارمند و روحانی و نظامی و نیز، چنانکه گفتیم، در لایه‌های بورژوازی کوچک، بخش‌هایی دارای شرایط زندگی و تفکر خردم بورژوازی هستند، لذا این طبقه و متعلقان و همانند آن وی در جامعه ما از جهت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی وزنه‌ای بسیار سنگین هستند، و در واقع آنها هستند که فضای اجتماعی را پدید می‌آورند. با آنکه خرده بورژوازی عنصر مهم مرکبه مفهوم "قشرهای متوسط" است، ولی چهار چوب قشرهای متوسط از خرده بورژوازی وسیعتر است.

۳. طبقه کارگر یا پرولتاریای صنعتی طبقه‌ای است که فاقد وسایل تولید است، ولی خود به امر تولید صنعتی اشتغال دارد و واحدی نیز مورد بهره‌کشی او نیست. لذا پرولتاریای صنعتی، که با اشکال مترقی تولید مربوط است و استثمار میشود، ولی استثمار نمیکند، پیشروترین طبقه جامعه است.

همه مزدبگیران زحمتکش، که نیروی کار خود را در معرض فروش قرار میدهند، پرولتاریای صنعتی نیستند، ولی شرایطی همانند پرولتاریا دارند، مانند کارگران جاده‌ها و ساختمان، کارگران راه‌آهن و ارتباط، شاگردان دکانها و کارگران کارگاههای سنتی مانند قالی بافی و نساجی سنتی، کارگران کشاورزی، کارگران خدمات و غیره.

معمولا همه این لایه‌ها را در آمار کارگران جامعه وارد میکنند و مجموع آن، همواره با کارگران موسسات صنعتی، سیاه بزرگی را بوجود می‌آورند و وارد در ترکیب طبقه کارگر بمعنای عام این کلمه میشوند. در کشور ما بخش مهمی از طبقه کارگر در فضای خرده بورژوازی و قشرهای میانگین زیست میکند و روند تبلور آگاهی و ویژه‌اش هنوز خاتمه نیافته است.

۴. دهقانان - دهقانان در جامعه سرمایه‌داری، دیگر مانند جامعه فئودال یک طبقه نیستند، بلکه خود "جامعه روستائی" را بوجود می‌آورند. در رژیم ارباب - رعیتی، دهقانان بنام "رعیت" یکپارچه بودند و زحمتکشانی بودند که در ده و عشیره، اربابها و خانها آنها را مورد استثمار وحشیانه قرار میدادند. ولی در سرمایه‌داری، "رعیت" در معرض "قشربندی" قرار میگردد و به قشر بورژوازی ده (دهقانان مرفه) و قشر خرده بورژوازی ده (دهقانان میان‌حال) و قشر نیمه پرولتاریای ده (دهقانان بی‌زمین و کم زمین) و قشر پرولتاریای ده (کارگران کشاورزی، که نیروی کار خود را میفروشند و برای بزرگ مالکان و دهقانان مرفه و میانه حال کار میکنند) تقسیم میشوند.

البته این تقسیم‌بندی را نمیتوان و نباید بشکل قالبی بر روستای ایران انطباق داد، زیرا جامعه دهقانی ایران هنوز در حال انتقال است و نمیتوان گفت که مختصات اجتماعی فئودالی در آن بکلی برچیده شده و یا سرمایه‌داری توانسته است روند قشربندی را به سرانجام برساند. اما روند قشربندی و تحول در جامعه دهقانی، روندی است جدی و همه روزه. به سخن دیگر، در حالیکه جامعه روستائی در ایران بشیوه سرمایه‌داری آن بوجود آمده و قشربندی صورت گرفته و میگردد، بقایای نظام فئودالی در زمینه‌های مختلف کماکان در روستای کشور ما دیده میشود.

جامعه عشیرتی، که تولید عمده اش دامداری است، نه جامعه دهقانی مشابهت کامل دارد. با آنکه رسوم پدربسالاری و فئودالی در عشایر نمراتب قویتر از ده باقیمانده است، با اینحال در آنجا نیز مدتهاست که قشربندی صورت گرفته، منتها بجای "زمین"، در اینجا باید مسئله مرتع و بنه، یعنی "دامها" (مانند گاو و گوسفند و بز) را مورد توجه قرار داد.

۵. قشر روشنفکران - قشر روشنفکران به کسانی اطلاق میشود که با کار فکری خود زندگی میکنند، مانند پزشکان، معلمان، هنرمندان، مهندسان، وکلا و غیره. تعلق طبقاتی قشر روشنفکران، چنانکه گفتیم، میتواند بسیار گوناگون باشد.

البته این امر غالباً بوضع مادی و مناسبات اجتماعی طبقات اجتماعی آنها مربوط است، ولی این شاخص عمومیت مطلق ندارد. معلمان ده و دبستانها را معمولا پرولتاریای روشنفکران مینامند. دانشجویان را بمثابة لایه‌ای در قشر روشنفکران وارد میکنند، با آنکه هنوز اشتغالی نپذیرفته‌اند. پزشکان و وکلای عدلیه را روشنفکران دارای مشاغل آزاد و مهندسان را روشنفکران فنی و شاعران و نویسندگان و نقاشان و موسیقی دانها و معماران و بیکره سازان و هنرپیشگان تئاتر و سینما را روشنفکران هنری نام داده‌اند.

برای کشورهای رشد یابنده‌ای مانند کشور ما، این قشر، که منبع کادر علمی و فنی و هنری است، دارای اهمیت بسزائی است.

۶. قشر کارمندان - برخی‌ها قشر کارمندان را هم لایه‌ای از روشنفکران میدانند، ولی آنها دارای خصوصیت مشترک شرکت در کار اداری (اعم از خصوصی و دولتی) یعنی "پشت‌میز نشین" هستند، که آنها را از روشنفکر بمعنای اخص کلمه جدا میکنند.

کارمندان را به لشکری و کشوری تقسیم میکنند. قشرهای بالائی کارمندان از راه قدرت دولتی ثروت‌های هنگفت بهم میزنند و صاحبان سرمایه بوروکراتیک و تکنوکرات‌ها نام دارند. قشرهای پائین دست کارمندان (مانند پیشخدمتان و فراشان و قراولان و غیره) گاه شرایطی نظیر پرولتاریا دارند و با آنها اشتراک منافع مییابند. در کارمندان لشکری معمولا لایه افسران را از درجه داران جدا میکنند و بین ارتش، که تنها دارای نقش تضییقی نیست از سوئی، و قوای تضییقی (پلیس، ژاندارم، مأمور امنیت) از سوی دیگر تفاوت قائل میشوند. سربازان وظیفه همان دهقانان و کارگران در جامعه سربازی هستند و به طبقات اصلی خود تعلق دارند.

۷. قشر روحانیون - قشر روحانیون خدام دین و مجری و راهنمای دستورهای شرع هستند و بر حسب موضعگیری اجتماعی، موقعیت آن‌ها فرق میکند. روحانی فقیر و طلاب و بسیاری از مدرسین حوزه‌های علمیه با خلق زحمتکش زبان مشترک مییابند و روحانیت غنی (که گاه خود از مالکان و سرمایه‌داران بزرگ هستند)، از طبقات بالاتر جامعه حمایت میکنند و لذا از جهت موضعگیری اجتماعی یکدیگر نیستند.

قشر روحانیت با قشر روشنفکران، از جهت اشتغال به علم و تحصیل و تدریس و خلق آثار، شباهت اجتماعی فراوان دارند و بهمین جهت امام همیشه از "قشر روحانی و قشر دانشگاهی" صحبت میکند.

۸. مستمندان شهری - مستمندان شهری یا عناصر ماقبل پرولتاریا (پلب) یا فقرا و تنگدستان هنوز در جامعه ما بسیاریند و کسانی هستند که شغل معینی ندارند و با انواع زحمات غیر متخصص و غیر ماهر و "کارهای سیاه" در رشته‌های مختلف، رزق روزانه خود را بدست می‌آورند. نساجان و قالی‌باغان شاغل در کارگاههای سنتی و شاگردان دکانهای پیشووری، یکی از مهمترین لایه‌های مستمندان شهری هستند، که چنانکه گفتیم، باید بحساب ارتش پرولتاریا وارد شوند، ولی دارای خلعت ما قبل پرولتاریا هستند. بیکاران آشکار و پنهان در شهر و ده در جامعه ما، که گاه به شغلی تصادفی مشغول میشوند، به همین گروه مستمندان شهری تعلق دارند.

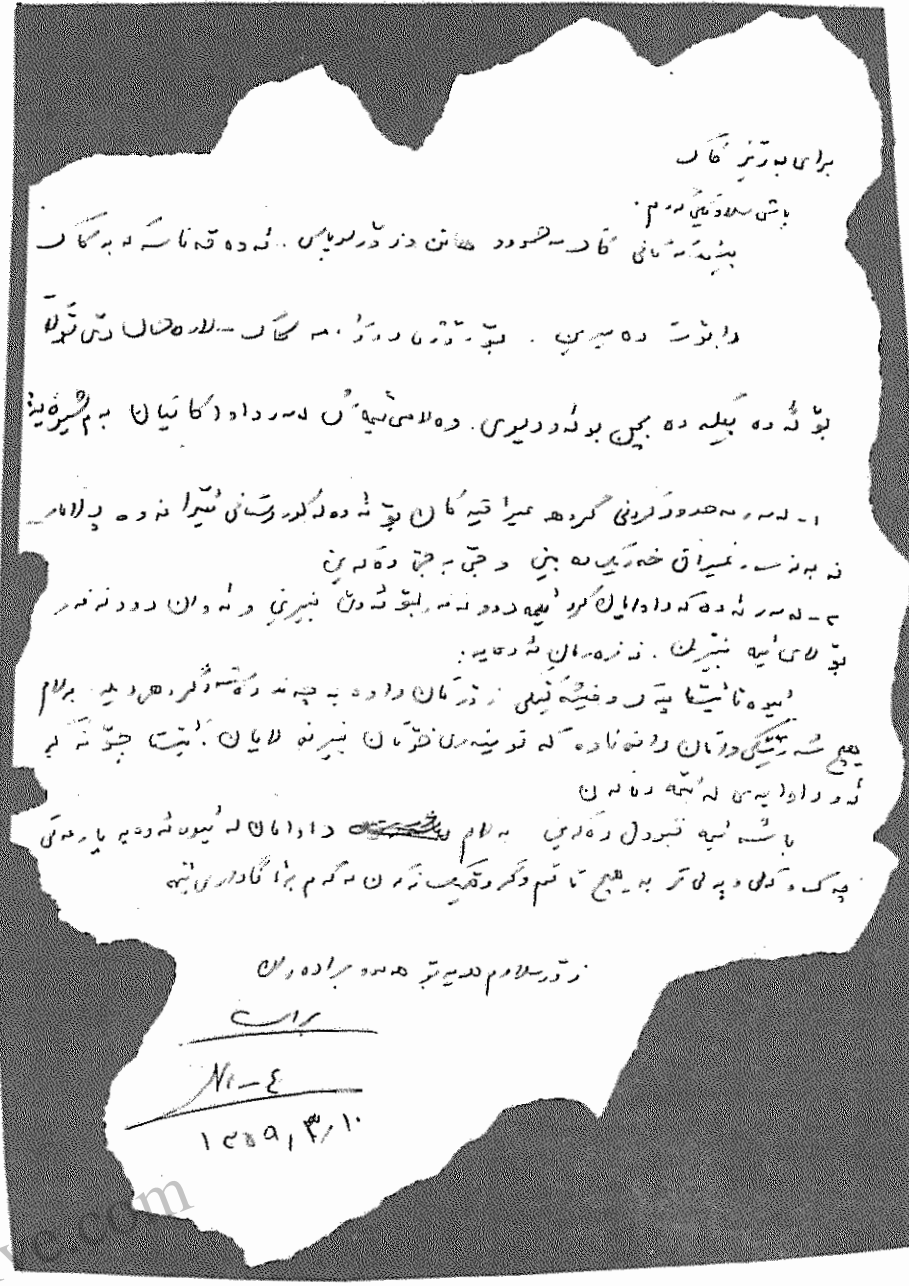
۹. عناصر بی‌طبقه پرولتاریای زنده پوش - عناصر بی‌طبقه (که چهره خاص طبقاتی خود را از دست داده‌اند) و افراد طفیلی (مانند دزدان) و زنده پوشان (مانند گدایان) همانست که در فارسی معاصر به لفظ "لومین" معروف شده است، که صحیح آن "لومین پرولتاریا" است.

این کلمه در زبان آلمانی یعنی پرولتاریای زنده پوش. لومین‌ها میتوانند آلت دست طبقات فوقانی نیز قرار گیرند و خود را به کسانی که عوامل اصلی بدبختی آنها بوده‌اند، بفروشند و علیه قشرهای دیگر جامعه وارد میدان‌شوند.

این بررسی سریع ساخت طبقاتی در جامعه ایران نشان میدهد که چه اندازه منظره طبقاتی جامعه ما متنوع و رنگین است. باید یادآور شویم که در جامعه ایران در اثر نوعی حرکت انتقالی از فئودالیسم به سرمایه‌داری، و اخیرا در اثر انقلاب از سرمایه‌داری به نوعی راه رشد غیر - سرمایه‌داری، آشفتگی و بی‌شکلی (آمورفیسم) طبقاتی پدید شده، که در آگاهی سیاسی - اجتماعی مردم منعکس است و موجب محو مرزبندی صریح بین طبقات و قشرهای اجتماعی شده است. این بی‌شکلی و آشفتگی مستقیما به هرج و مرج و نوسان و بی‌ثباتی بزرگی راه داده است که اکنون در جامعه ما دیده میشود و کار نضح حوادث سیاسی را دشوار میسازد و پدیده "بی‌طبقگی" و نوسانات ناشی از آنرا تشدید کرده است.

با اینحال داشتن دستگیره‌های مشخص طبقاتی میتواند ما را در این انبوه درهم و برهم بگونه‌ای هدایت کند، تا از محتوی آرایش سیاسی در جامعه بهتر سردرآوریم.

### سند وابستگی «قاسملو» به بعث عراق



برای برترنگان

پس از سلامهای گرم  
به شما که در راه مبارزه با استبداد و  
توطئه های خائن و فاسق...

و با توجه به اینکه...  
در مورد...  
باید...

باید...  
در مورد...  
باید...

در مورد...  
باید...  
در مورد...

باید...  
در مورد...  
باید...

باید...  
در مورد...  
باید...

باید...  
در مورد...  
باید...

باید...  
در مورد...  
باید...

باید...  
در مورد...  
باید...

باید...  
در مورد...  
باید...

باید...  
در مورد...  
باید...

باید...  
در مورد...  
باید...

#### ترجمه نامه

برادر گرامی...

پس از سلامهای گرم  
بیشتر گفتم که کاک محمود آمدند. خیلی ممنون.  
اینهمه "تفاهم" که بوسیله کاک...  
می فرستم. روز دوشنبه کاک ملا رحمان نزد شما  
می آید تا با هم به آن سوی مرز بروید. جواب ما هم  
در باره تقاضای آنان بدینتقدیر است:  
۱- در مورد محدود کردن گروههای عراقی تا  
از طریق کردستان به عراق حمله نکنند، ما  
فعلیت می کنیم و درستش می کنیم.  
۲- در مورد تقاضای ایشان که ما دوتنفر را به آنجا  
بفرستیم و آنان نیز دوتنفر نزد ما بفرستند، نظرا  
اینست: شما تاکنون اسلحه و مهمات زیادی به  
چند دسته و گروه داده اید، اما چنین شرطی که  
نمایند خودتان را نزد آنان بفرستید،  
برایشان نگذاشته اید. حال چطور شده که این  
تقاضا را از ما دارید؟ با شما قبول می کنیم، اما  
تقاضایمان از شما اینست که به گروههای دیگر  
تسلیماتی وغیره نکنید، مگر با اطلاع ما.

برادران سلام زیادارم

برادرت

قاسملو

۱۳۵۹/۳/۱۰

### سند وابستگی

تجدید از صفحه ۱

این سند افشاگر و رسوا کننده، که آشکارا از  
پاره سالوس مزدورانی چون قاسملو بر سرده  
رمی دارد، بار دیگر هشداری است مبنی بر حزب  
وده ایران را به نیروهای صدیق خلق کرد،  
آید می کند.  
مزدوران ریاکاری که زیر پرچم دفاع از حقوق  
نه خلق کردسینه می زنند، ولی در نهان با  
نمان تشنه به خون خلق کردوا انقلاب ایران،  
ما مله می کنند و در قبال عنوان و موقعیت "نوکر  
زل"، خون خلق کردو دستا وردهای انقلاب  
بران ومبارزات خلق کردرا، به بیاری می گیرند  
شیشه می پندند، دشمنان خلق کردا ندو خلق  
داگر بخوا هدر می بوند با دیگر خلقهای ایران،  
بها میریالیسم جنا یتکار آمریکا ورژیم بعث  
اق، بسوی پیروزی و کسب حقوق حقه خودگام  
دارد، با بدین مزدوران ریاکار را از صفوف  
دقاطا نه براند.  
این سند هشداری دیگر به نیروهای صدیق  
ق کرداست تا ما هیت وابستگی نی چسبون  
سملوها را از برای ادعای پوچ انسان  
خیلی دهند و قاطعانه به جبهه انقلاب ایران  
بیه توطئه های بعث عراق و امپریالیسم آمریکا  
ببوندند.

### جامعه در انتظار تفاهم...

بسیار از صفحه ۱  
بهمین جهت هم هیچ فردی در هر مقامی باشد،  
نمایند! روبا چنین وانمودها زدگسسه  
آمریکا دشمن او ست و هدف توطئه ها و  
تجاوزها براندازی این یا آن فردی مقام  
است.  
واقعیت همین است. آمریکا از انقلاب  
ز اغه نشینان سبلی سخت خورده و همه عوام  
و عمال خودرا، از راهها و وسایل گوناگون  
بد عمل خدایانقلابی واداشته است.  
وظیفه هر کسی که در هواداری از انقلاب  
و در حمایت از جمهوری اسلامی ایران صادق  
باشد جز این نیست که، بر همه دوگانگیها،  
اختلافها، تضعیف های منفی، طعنه ها و  
اتهام ها - در آنجا که منافع فردگرایانه  
با گروه گرایانه مربوط می شود، تقاضا  
با بیان بگذارد و بیخا طرا نه عمده و اساسی  
است، دست از خود محور بینیها و خودتشیها  
انتاریها بشوید و به ندای وحدت طلبانه  
امام باساخت مثبت و عملی و فوری دهد.  
باسخ مثبت، اگر در عمل نا شید و نا کید  
نشود و اگر نا خیر شود با نطل صورت گیرد،  
بحایبی نخواهد رسید. سرنوشت انقلاب ها  
گاه در زمانی کمتر از هفت روز تعیین  
می شود. این را نباید فراموش کرد.  
انقلابیهای احتمالی تنها با حرف و در ظا هر  
تحکیم شدن نیست. این راهم نباید  
فراموش کرد. عمل مثبت و فوری در جهت  
اتحاد همه نیروهای صدیق انقلابی و در خط  
امام ضروری است. مسئولیت و بسزایا در  
این رهگذر بر عهده کسانی است که مسئولیت  
های مملکتی را در دست دارند و قوای مختلفه  
کشوری را رهبری می کنند یا در آن مشارکت  
دارند. آنها باید هر چه زودتر، در عمل به  
بیام امام باساخت مثبت گویند.  
کمیته مرکزی حزب توده ایران بلافاصله  
بس از تقسیم شدن توطئه سوم کودتای ۱۸  
تیر، در اعلامیه ای اهمیت تفاهم اصولی  
و انقلابی بین همه مسئولان امور و احترام از  
دسته بندیها و تشدید اختلافها را خاطرنشان  
ساخت و گفت که تا چه اندازه این روند به  
زیان انقلاب و بسود توطئه های بیابسی و  
خطرناک خدا انقلاب است. بخصوص با بسود  
نوجهداشته باشیم که در هر دو جانب اشخاصی  
بقایب وار - در صد گل آلود کردن آب  
هستند، تا امپریالیسم ما هی بگیرد. از  
یک سو دسته ای زیر نقاب لیبرالهای بجان  
آمده از انقلاب و از سوی دیگر گروهی بالباس  
دولت جمهوری اسلامی ایران در مورد این  
مسئله، با کستان در روابط خود با ایران  
تجدید نظر خواهد کرد.

### بی هیج تردیدی پاکستان...

بسیار از صفحه ۱  
وابسته به آمریکا و در اختیار او ست  
همچنین آمریکا به عربستان سعودی امر  
کرده است که به پاکستان برسد و به همین  
جهت عربستان از نظر مالی کمک فراوانی  
به پاکستان میکند. مقالتهای هم که در  
پاکستان بر علیه آمریکا بخش میشود، به  
شدت سا نوسور میشود، اما برعکس مقالتهای  
که بر علیه ما بخش میشود زیاد است.  
روزنامه های پاکستان هم ۹۹٪ از ما  
کمتر حمایت میکنند و علت آن این است  
که در گذشته تمام این روزنامه ها باز خرید  
رژیم سابق بود و هنوز هم بعضی از روزنامه ها  
عکسهای از خانواده تا ه مخلوع را چاپ  
می کنند و در مورد فضایل آنها قلم می زنند.  
امولا چون پاکستان کشور فقیری است،  
در مقابل پول خیلی حساسیت نشان  
میدهد. بطور کلی وضع پاکستان نیز  
منتسج است و آستان یک انقلاب است.  
س: به چه دلیل پاکستان را آستان  
انقلاب می بینید؟  
ج: گفتم که وضع حکومت آنگونه است و  
روحیه مردم هم مثل او خر حکومت شاه را  
می ماند. مردم در مقابل حکومت جبهه  
گرفته اند و در کشور یک حالت سا نوسور و رعب  
و خفتن حکم فرماست. مردم از سنی و  
شیعه همه با انقلاب ما هستند و خود دستگا ه  
حکومت هم در دست آمریکا ست، منتهی با  
دورویی و تظا هربه اسلام از انقلاب ما  
تعجیب می کنند و آن هم از ترس مردم است  
علمای شیعه آنجا فعالیت می کنند مدرسه  
طلبگی آنجا به چهار زبان مجله بخش می کنند  
و انقلاب ما را معرفی می نمایند. اما به  
علت اختناق حاکم این مجلات در مدرسه  
بخش می شود. زمانی که ما در پاکستان  
بودیم، علمای شیعه از مردم خواستند که  
جهت اعتراض به حکومت و محترم شدن  
حقوق اقلیتها در راه ولیدی و اسلام آباد  
تخص کنند. آنها میگویند که ما ۳۵  
میلیون شیعه هستیم، میخواهیم فقه  
جعفری - فقه شیعه را تدریس کنیم. با  
این همه من فکر می کنم پاکستان بزودی  
زود متفجر میشود.  
س: سفارت پاکستان وظایف لانه جاسوسی را  
انجام میدهد  
ا: اعلامیه شماره ۵ نهضت انقلاب اسلامی  
پاکستان به این شرح انتشار یافت.  
یک روز پس از انتشار اعلامیه شماره ۴  
نهضت مبنی بر واگذاری وظایف لانه جاسوسی  
آمریکا به سفارت پاکستان در ایران، سفیر  
پاکستان بدستور دولت متبوع خود وزارت  
امور خارجه جمهوری اسلامی ایران را  
تلویحا تهدید مینماید، در صورت پیگیری

ما ثوئیت های مشکوک و "سه جانی" وغیره  
هیزم بیار معرکه شده اند. با زاردوبهم -  
زنی چنان گرم و جنگ چنان مفلو به شد،  
که دشمن اصلی گاه از نظرها نا بدید میشود  
یا کوشش می شود که نا بدید شود، و اگر هشتاد های  
بموقع و مکررا ما م نمی بود او گرسا بس و  
توطئه های خطرناک خود خدا انقلاب نمی بود،  
اینان از یاد می بردند که چه گرگ های ریدندان  
برای انقلاب و ایران تیز کرده است.  
کمیته مرکزی حزب ما با در نظر گرفتن  
حساسیت وضع و ضرورت تفاهم اصولی بر سر  
مواضع انقلابی بود که هر گونه اقدامی را  
برای ایجاد این جو تفاهم و طرد کما مل محیط  
برتنسج اختلاف - که متا سفا نه هنوز هم  
موجود است - ضروری و حیاتی دانست.  
کامل "روشن بود که اگر اطرافیان یسا  
آتش بیاران امکان نمی دهند که این تفاهم  
ضرور حاصل آید، آنگاه برای حل مسالسه  
بی شک، کلام بر نفوذ امام لازم خواهد آمد.  
و اینک این کلام با مراحت تمام و سا  
دقت، بطوریکه برای هیچ کس وهیج مقامی  
جای شبهه و تردیدی باقی نماند، بیسان  
گردیده است. حلقه اساسی در سلسله زنجیر  
نهاد بیبری که با یید برای نجات انقلاب اتخاذ  
کرد، در تفاهم اصولی بین مسئولان امر  
و صاحبان مسئولیت در قوای سه گانه کشور  
تشخیص داده شده است. و نخستین اقدامی که  
میتوان در عمل و به فوری در جهت باساخت  
این کلام امام انجام داد، عبارتست از  
تعیین نخست وزیر و تشکیل دولت بر شا لوده  
یک رشته اصول، که انقلاب را تحکیم بخند  
و ریشه های امپریالیسم و بیبره کنی بر ما به  
داری را بخنکا ندو "ز اغه نشینان" را، که  
توانستند آن سبلی محکم و گنج کننده را بر  
بنگوش امپریالیسم بر کردگی امپریالیسم  
آمریکا بزنند، به آرماتنها و هدفهای خلقی-  
شان برسانند.  
تنها از این راه... بعقیده ما - میتوان  
با ییدیه کلام بر نفوذ امام - که جا مع ما در  
انتظارش بود - باساخت داد و مسئولین تنها  
با این جواب مثبت، عملی و فوری میتوانند  
مداقت و اصولی خود را در پیروی ز خط امام  
نشان دهند - چیزی که جا مع ما در انتظارش  
است.

### و فعلا لیتهای جاسوسی سفارت آمریکا را در

تهران به عهده گرفته، و نیز نقشی که آقا  
شاهی وزیر امور خارجه پاکستان در این  
فعلا لیتهای جاسوسی آمریکا علیه جمهوری  
اسلامی ایران دارد، و با هم چنین معا حبه  
حجت الاسلام مادی احسان بخش در مورد  
وابستگی رژیم پاکستان به امپریالیسم  
آمریکا، مؤید یدا ظها رنظروا رزیا بیبهای  
رسانه های گروهی و اکثریت مطبوعات  
ایران در مورد ما هیت ضد خلقی رژیم ضیا -  
الحق و وابستگیهای آن به امپریالیسم  
آمریکا ست.  
نامه "مردم" ارگان مرکزی حزب توده  
ایران، در مقالات و تحلیلهای خود،  
در باره روابط ایران و پاکستان و  
ما هیت رژیم حاکم بر پاکستان و نقش آن  
در توطئه های امپریالیستی علیه جمهوری  
اسلامی ایران، بارها روی این مطلب  
تاکید کرده است که رژیم وابسته و سرسپرد  
ژنرال ضیا الحقی به امپریالیسم آمریکا  
نمیتواند متحد جمهوری اسلامی ایران و  
طرفدار رویتشبان انقلاب ایران باشد.  
اما متا سفا نه و با کمال تعجب مسئولان  
وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی و  
شخص آقای مادی قطب زاده در باره رژیم  
ضیا الحقی از نظریات دیگری پیروی کرده  
و در مواضع همگاری نزدیک با این رژیم  
قرار گرفته اند. آقای مادی قطب زاده،  
وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران،  
بخاطر توجیه مواضع نادرست و رزیا بیبهای  
ذهنی خود در باره ما هیت رژیم پاکستان،  
به دفاع از ما هیت رژیم ضیا الحقی پرداخته  
و در مواضع های مکرر مطبوعاتی و رادیو  
تلویزیونی خود مکررا وابستگی رژیم  
پاکستان به امپریالیسم آمریکا شده  
اینک که ما هیت رژیم پاکستان و  
وابستگیهای عمیق آن به امپریالیسم  
آمریکا و فعلا لیت سفارت پاکستان در ایران  
که وظایف جاسوسی سفارت آمریکا را به  
عهده گرفته و اخبار و اطلاعات جاسوسی را  
در اختیار منابع امریکایی قرار میدهد و  
نیز نقش آقا شاهی وزیر امور خارجه پاکستان  
که رهبری این فعلا لیتهای جاسوسی علیه  
جمهوری اسلامی ایران و بیفخ امپریالیسم  
آمریکا را بعهده دارد، بییش از پیش افشا  
گردیده، مسئولان وزارت امور خارجه  
ایران و شخص آقای مادی قطب زاده مواضع  
نادرست خود را در روابط پاکستان و  
رژیم دست نشاند ضیا الحقی چگونه  
توجیه می کنند؟  
س: رفتن از هر گونه توجیهی، آنچه برای  
مردم ایران مسلم است، اینست که مناسبت  
اتحاد چنین مواضعی، که با رهنمودهای صریح  
رهبر انقلاب ایران در زمینه مبارزه علیه  
امپریالیسم آمریکا و هدف خدا امپریالیستی  
انقلاب شکوهمند مردم ایران منافات کامل  
دارد، به زیان منافع و مصالح انقلاب  
ایران و عملابسود دشمنان انقلاب ایران  
و امپریالیسم آمریکا تمام شده است.



# هیر و شیمای را از یاد نبریم اجازه ندهیم هیر و شیمای دیگری بوجود آید

سی و پنج سال پیش از این، امپریالیست-های آمریکایی نخستین بمب هسته‌ای را بر سر مردم هیروشیما فروریختند. این بمب علیه هدفهای نظامی بکار نرفت. هدف ضربه زدن به مردم هیروشیما بود. مردان، زنان، کودکان و خردسال، سالخورده‌گان ناتوان و بیچارگان رنجور کنج بیچارگان در معرض سوختن، کباب شدن و زجر کشیدن قرار گرفتند. ده‌ها هزار تن از مردم هیروشیما در همان لحظات نخست از سوزش و سوختن در همان لحظات شدند. ده‌ها هزار نفر دیگر در هزاران عوارض دردناک ناشی از تابان شدن رادیو اکتیو شدند و سالها جان کندن دورن سوختن بردند، تا آنکه که مرگ به زندگی مختار آنها پایان داد.

در آن زمان خطر انفجار بمب هسته‌ای دنیا را تکان داد، افکار عمومی مردم جهان را متقلب کرد و تمام محافل مترقی استفاده از سلاح هسته‌ای را که مستقیماً جنایتی بود علیه بشریت، محکوم کردند. فریاد اعتراض مردم دنیا از این عمل تبهکارانه در سراسر جهان طنین افکند و از همان هنگام مسئله تحریم استفاده از سلاح هسته‌ای در دستور روز تمام محافل ترقی‌خواه و بشردوست قرار گرفت. در سطح دولتها، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی برای تحریم کامل بکار گرفتن سلاح هسته‌ای، که در حقیقت مسئله مرگ و زندگی بشریت و تمدن آنرا مطرح میکرد، دست‌بلاس گسترده‌ای زدند. آنکه نخستین سازمان بین‌المللی برای جلوگیری از جنگ و تلاش برای قبولاندن تحریم سلاح هسته‌ای وجود آمد و مورد تأیید و پشتیبانی کامل تمام محافل مترقی و جامعه سوسیالیستی قرار گرفت.

ولی قدرتها امپریالیستی و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا که با اتکا به این حربه ضد بشری در عرصه‌های نظامی بر سر دست و مست جنایتی بود که میخواست آنرا وسیله‌ای برای زدن مقیاس بین‌المللی قرار دهد، نه تنها حاضر قبول هرگونه بیسپاسی برای عدم تولید این نوع سلاحها در دنیا نشدند، بلکه در مسدود کردن تولید سلاحهای نوین و تولید سلاحهای نوین برآمد. امپریالیسم آمریکا چاهات بدون وقفه اتحاد شوروی و تمام محافل مترقی را ناشی از آن وانمود ساخت که گویا آنها تصمیم دارند این برگ برنده را از دست "دنیا آزاد"، یعنی جهان سرمایه‌دار و بزرگدگی امپریالیسم آمریکا بگیرند و زمینه را برای "تجاهات" خود آماده سازند. حربه امپریالیسم آمریکا و نقطه مرکزی استدلال آن همچنان "خطر کمونیسم" بود و در حقیقت پرچی که از دوش هیتلروفا شیم آلمان بر خاک افتاده بود، از نوتوسط جانشینان آمریکا بی آنکه برای آنها آفریننده، با اطمینان به اینکه تولید سلاح هسته‌ای برای اتحاد شوروی، که بزرگترین ضربه را از جنگ دوم جهانی دیده‌است، امکان پذیر نیست. اما آنکه که تمام حسابها در باره ناتوانی اتحاد شوروی در تولید سلاح هسته‌ای غلط از کار در آمد، با رد دیگر فریاد قدرتها امپریالیستی بلند شد که این بار "خطر سرخ" یا "سلاح اتمی دنیا را تهدید میکند، ولی با رد دیگر پیشنها برای محدود کردن و از بین بردن کلیه این سلاحها و تحریم تولید آنها از طرف اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، با پشتیبانی تمامی بشریت مترقی از سر گرفته شد. ولی تمام این تلاشها با امتناع امپریالیسم آمریکا و قدرتها دیگر امپریالیستی برخورد کرد، که مدعی بودند "اگر از موضع قدرت" با کشورهای سوسیالیستی روبرو شوند، دنیا دچار "خطر سرخ" خواهد شد، و یا اینکه به سفسطه‌های تلافی‌ناخواه برای تولید سلاحهای نوین دست زدند. و هر بار که خود را در این تلاشها شکست خورده میدیدند با پیشنهاهای بیگانه اتحاد شوروی و سایر دولتها سوسیالیستی و فشار افکار عمومی جهان، که خواستار نجات بشریت از خطر آنها نبودند، برای محدودیت سلاحهای اتمی و ایجاد زمینه خلع سلاح عمومی مواجه میگرددند، تا خیر قدمتی برای توافقیهای محدود برای کاستن از مسابتهای ویرانگر تسلیحاتی برداشتنند، ولی بلافاصله با هزارها بیانه و سفسطه در مدد نقض تعهدات خود برآمدند. در برابر برقدمی که بجلو برداشتنند، دو قدم عقب رفتند و بیروست دامنه مسابتهای تسلیحاتی افزودند. کارتر، این نماینده سر سخت امپریالیسم آمریکا و مدافع متافع سوداگران مرگ آنچه در قوه داشت بکار برید و بهر بهانه که توانست زمینه‌های فرامساخت، تا سنای آمریکا بتواند در راه تصویب سالت مشکلات متعددی بوجود آورد.

## مجلس

## در جلسه دین و ز مجلس: اعتبار نامه حجت الاسلام نجف آبادی تصویب شد

جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی در ساعت ۲۵:۱۰ دقیقه به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رسمیت یافت. پس از قرائت گزارش کار هیئت رئیسه درباره تعداد اعضاء کمیسیونها و اظهار نظر عمده‌ای از نمایندگان نسبت به آن، طرح اعلام شده از طرف هیئت رئیسه به رای گذاشته شد و با توافقی آرا تصویب گردید. پس از آن قرار بود نسبت به طرح متغییر بودن تعداد اعضاء کمیسیون، که با تصویب فوریت پیشنها شده بود، با حضور شورای نظه‌بان رای گیری شود. ولی از آنجا که طبق آئین نامه داخلی مجلس، باید ۲۴ ساعت پس از توییح طرح دوفوریتی رای گیری بعمل آید و ۲۴ ساعت هنوز سری نشده بود، اینکار به روز بعد موکول شد.

آنکه اعتبار نامه حجت الاسلام امید نجف آبادی، نماینده اصفهان، که با مخالفت حیدری مواجه بود، مطرح شد و مخبر کمیسیون تحقیق اطلاع داد که اعتبار نامه وی با اکثریت آرا در کمیسیون به تصویب رسیده است.

سپس حیدری دلایل مخالفتش را بیان کرد و از جمله تسمتها بی‌ارزشی را به حجت الاسلام امید نجف آبادی را با روزنامه جمهوری اسلامی خواند. در این محاسبه امید نجف آبادی گفته بود:

"در اسلام بنظر من اساس بر اینست که هر کسی با اندازه‌گیری زمین که میتواند بیل بزند، باید مالک باشد." و همچنین نامه آیت الله خاکی را به حضور امام خواند، که در آن گفته شده بود:

"امید نجف آبادی در محاسبه اش گفته است که ملک از آن کسی است که بیل در دست اوست و این عین فکرمونیستی است. البته منکر مالکیت خصوصی، منکر دین است."

آنکه حجت الاسلام امید نجف آبادی بدفاع از خود پرداخت و از جمله گفت: "من ابتدا قصد نداشتم از خودم دفاع کنم. برای من مهم نیست که شما به من رای بدهید (مخالف) بدهید یا رای سفید (موافق) البته اینها را شما رزق ندارید، بلکه چون تاریخ به من رای سفید خواهد داد. ناراحتی من از اینست که کسی به من اعتراض کرده است که از محاسبات بوشهر با کمزاری شده است." و آنکه به نامه‌های که حیدری برای ساواک نوشته بود اشاره کرد و گفت:

"اسموی در لیست مربوط به وابستگان ساواک در داده، مخبرات بوشهر بوده، ولی چون لیست را به او سپرده بودند، اسم خود را خط زده بود و پس از مراجعه به اسناد ساواک، نام وی معلوم شده است." و سپس به افرادی مثل آیت الله لاهوتی و موسوی بجنوردی اشاره کرد و گفت: "اگر اینها، که خودشان سالها در زندان بودند، به من اعتراض کرده بودند خوشحال میشدم، ولی کسی بجز اعتراض کرده است که حتی یکروز هم در زندان نبوده است."

حجت الاسلام امید نجف آبادی، که مدتی هم حاکم شرع دادگاههای انقلاب در اصفهان بود و در این پست حکم اعدام میرا شرافی معدوم را صادر کرد، در اشاره به همین مساله گفت:

"اساس کار، همین دادگاهها است. اگر من به دادگاههای انقلاب نرفتم بودم ۸۰-۷۰ نفر را اعدام نکرده بودم ۵۰۰-۴۰۰ مورد ما در نظر نگرفته بودم، کسی به من کاری نداشت."

سپس حجت الاسلام معادخواه نیز در دفاع از او سخن گفت و پس از آن در مورد اعتبار نامه حجت الاسلام امید نجف آبادی رای گیری شد و با رای موافق، در برابر رای مخالف ۳۵ رای ممتنع رای اعتبار نامه وی به تصویب رسید. پس از قرائت اسامی غائبین، حجت الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس، دستور کار روز بعد را اعلام کرد و گفت که قطب زاده فردا (امروز) برای پاسخگویی به سئوالات نمایندگان به مجلس خواهد آمد.

### در حاشیه مجلس

حجت الاسلام امید نجف آبادی در پاسخ حیدری، که گفته بود وی در زندان به ساواک تعهد سپرده است، گفت: "در سال ۵۰ که میخواستیم آزاد شویم، و آیت الله لاهوتی و آقای شیخونی (نماینده کرج) هم بودند، من به آقای شیخونی نفتم: اینها از ما تعهد می‌خواهند، چکار کنیم؟ گفت: ای بابا، ما انقدر تعهد داده‌ایم که خط ما خوب شده است. تعهد بده برو بیرون کارت را بکن." شیخونی نماینده کرج گفت: مادر شکنجه‌اش بوده ایم. خلخالی گفت: این دربارها خیلی‌ها هست. چرا دربارها انواری نگفتید؟ چرا

## توطئه‌های دولت بعثی...

توطئه از صفحه ۱  
ایرانی و بازگرداندن آنها با مواد منفجره به قصد خرابکاری و آدم‌کشی، موبد خبر مربوط به تصدیق اقدامات خرابکاری و تحریکات نظامی دولت بعثی عراق علیه انقلاب ایران است.

همه اینها مقدمه و فراهم کردن زمینه مساعد برای پیاده کردن توطئه مشترک و هم‌آهنگ امپریالیسم امریکا و دولت بعثی عراق با هدف براندازی نظام جمهوری اسلامی در ایران است.

وجود نیروهای ضد انقلاب ایرانی و بویژه تعداد کثیری از افسران گارد و ساواکی‌های فراری در عراق و استقرار ستاد عملیاتی گروه بالزبان و اویسی در نواحی مرزی ایران و عراق و مسابتهای بی‌دربی ساویر بختیار به بغداد، همه حاکی از فعالیت‌های متشکل و هم‌آهنگی است که با شرکت مستقیم دولت بعثی عراق و طبق دستورات و فرموده‌های کاخ سفید، وزارت دفاع و سازمان‌های جاسوسی امریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران انجام می‌گیرد.

ملاقات اشرف معلوم الحال با اویسی جلاد در مصر که بلافاصله پس از مرگ شاه مخلوع انجام گرفت گواه دیگر گسترش شبکه توطئه‌های نیروهای ضد انقلاب و هم‌آهنگی این فعالیت‌های توطئه‌گرانه با طرح مداخله نظامی امریکا و گسترش و تشدید اقدامات خرابکارانه و تجاوزهای مسلحانه نیروهای مسلح عراق در نواحی مرزی ایران و عراق است.

در طرح توطئه جدید امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، عمده‌ترین نقش اجرای طرح را دولت بعثی عراق به عهده گرفته است، که علت آن، علاوه بر ماهیت ضد خلقی و ضد انقلابی رژیم بعثی حاکم بر این کشور، بیم از گسترش نفوذ و تاثیر انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران است که می‌تواند بی‌آمدهای نامطلوبی برای رژیم دیکتاتوری حاکم بر عراق داشته باشد و سردمداران این رژیم را به سرنوشته رژیم جنایت‌کار پهلوی دچار سازد.

از نظر امپریالیسم امریکا، ماهیت رژیم بعثی در عراق و موقعیت جغرافیایی این کشور مساعدترین زمینه جهت پیاده کردن طرح‌های خرابکاری در داخل ایران و تضعیف و براندازی انقلاب ایران است.

وجود مرزهای مشترک عراق و ایران، جهت تجاوزهای مسلحانه مستمر و تحمیل جنگ فرسایشی بر ایران، تمرکز بخش اعظم عناصر ضد انقلابی، به ویژه ارتشیان و ساواکی‌های فراری در عراق، امکانات فراوان نفوذ و رفت و آمد این عناصر و جاسوسان و عمال دولت بعثی عراق به مناطق مرزی ایران و اعزام گروه‌های تروریستی و خرابکار به داخل ایران همه اینها عوامل مساعدی را تشکیل می‌دهند که دولت بعثی عراق بتواند نقش اصلی و فعال را در این توطئه جدید امپریالیسم امریکا بعهده بگیرد.

از سوی دیگر عملیات خرابکاری و تجاوزات مسلحانه عراق علیه ایران، در عین حال که می‌تواند تمام توجه و امکانات دفاعی جمهوری اسلامی ایران را روی درگیری‌های مرزی با عراق متمرکز سازد، برای اقدامات خرابکاری عناصر و نیروهای ضد انقلاب درون کشور امکانات و شرایط مساعدتری فراهم می‌سازد، و در صورتی که این درگیری‌های مسلحانه و جنگ فرسایشی تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران به درگیری گسترده و هم‌جانبه، یعنی یک جنگ تمام عیار بین دو کشور تبدیل شود، امپریالیسم امریکا امکان خواهد یافت که شرکت واحدهای نظامی و پیاده کردن تفنگداران دریایی خود را در مناطق جنوب ایران، با درگیری مسلحانه هم‌جانبه عراق با ایران توجیه کند و از بی‌آورها و درگیری‌های بین‌المللی غیرقابل پیش‌بینی مداخله نظامی مستقیم خود علیه ایران برجزد باشد.

بدین ترتیب گسترش دامنه توطئه و تحریکات، عملیات تخریبی و تجاوزات مسلحانه مرزی دولت بعثی عراق علیه ایران، برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، خطرناک جدی، که مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران را به اتخاذ تدابیر قاطع، جلوگیری از تفرقه و تشتت نیروها و اتحاد و بسیج همه نیروها و امکانات برای مقابله با توطئه مشترک دولت بعث عراق و امپریالیسم امریکا موظف می‌سازد.

نمونه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران  
دائره امتیاز و مدیر مسئول:  
منوچهرینژادی  
خیابان ۱۴ آذرشهر ۶۸  
محل دفتر نمونه مردم  
فناور ادراستفان عناصر غیر مسئول است

در باره سگرا ولادی نگفتید؟  
حجت الاسلام سید احمد خمینی هم در جلسه دیروز در جایگاه تماشاچیان حضور داشت.